

مأمور یا سفیر یا قونسل یا بالیوز یا کارپرداز بدوات دیگر میفرستد علاوه بر مواجب و مقریش مخارج او را از قونسل خانه و منشی و فراش و بوسکر و سواری و مصارف دیوانخانه و اعیاد دولتی و ملای و سایر مخارج کائناً ما کان و بالغاً ما بلغ حق تکت بست و تلگراف بحسب اقتضای ملک و دواتی که با آنجا فرستاده حساب کرده بطریق ماهانه یا سالانه در اول هر ماه یا سال میفرستد تا در هیچ حاجت ضرورتی نداشته باشد. و اگر احياناً صرف فوق العاده پیش آید و لازم شود از کسبه خود بخاید فوراً سیاهه صحیح درست بی اختلاف ساخته بوزارت خارجه دولت خود فرستاده دوات هم پس از ملاحظه بجا بودن آن مصرف بدون تأمل منظور نموده برایش میفرستد - ازین جهت مابده رو سفیدی دولت و ملت را در خارجه فراهم - زبان نکته چندان را لال می کند

بر عکس رجال دولت ما که خدا ایشان جزای

کردار در کنار نهد مواجب و مقرری که از دولتشان بجهت مأمورین معین است نوش جان میکنند - و کسی را که باموریت میفرستند اول قبض رسید مواجب یکساله اش را از او گرفته پس از آن بانداز و حسب مأموریتش از او پیشکش و اعارف خواسته روانه مقصودش مینمایند - هنوز یکسال از مأموریتش نگذشته باید پیشکی رسید سال آینده مواجب خود را بفرستد - تا فرمان تقررش بر منصب خود در سال نو فرستاده شود - از آن گذشته همواره باید از ائمه نفیسه آن ملک پیشکشی در حور و سزا فرستاده افسر و آمر خود را راضی و خوشنود داید تا شکایتهائی که رعایا و تبعه از تعدی و اجحافش مینویسند بی ثمر مانده توتب اثری بر آن نشود - و عین خطوط شکایت کنندگان را در لفافه گذاشته پیش او فرستند نادشمان خود را شناخته در ظلم و تعدی و اجحاف بر ایشان و ویران کردن خانهاشان کوتاهی روا ندارد -

معادن طلای انگلیس ها در افریقای جنوبی

افریقای جنوبی طلا دهنده تمام جهان

بکار بردن تنخواه در این عمل بلاشبه اسباب انتفاع کلی میگردد - مخصوصاً بصاحبان تنخواه و متمولین ایران تکلیف میشود ایتباع اسهام معادن طلای فوق الذکر که عنقریب قیمت آنها ترقی خواهد کرد ا قیمت اسهام مزبور از طرف کپانی موسوم به (گلا دیز پروپرای تاری گلد ماینس کپانی لیمیتد)

Gladys Proprietary Gold Mines Company Limited

کندز افریقای جنوبی عارای امتیاز عمل طلای آنجا است - همی هفته قران و دیویست دینار معین

ترخ اسهام مزبور ترقی خواهد کرد در زمان کار کردن در این معادن الی دو تومان و نه قران و زیاد تنخواه این بلیت ها را ممکن است بکپانی رسانیدن بتوسط اداره بانک شاهنشاهی ایران با درس ذیل (دی سکری تریز اکسچانج لیمیتد) ۱۶ تکن حوس یارد بنگ لندن)

The Securities Exchange Ltd
16A, TOKENHOUSE
LONDON

و بقیه کعبه را هم تفییض باشد که دیگر پیرامون شکوه نگردد - از این گونه مأمورین جلیل القدر که این وضع و قانون بجهت حفظ ثغور دولت و مات عدالت خارجه فرستاده می شود چه توقع میتوان داشت - چه همشان غیر از تحصیل مال و آنچه رشوت داده و وصول کردن پیشکشی که بقرض گرفته و مخارج بومیه خود تهیه پیشکشی آینده و غیره نیست - با این حال سلوکش مانده و رعیت خود لازم به بیان نیست - نخست کارش اینست که او ورین جزء که در اداره و حکم او هستند هر یک باید بقدر و اندازه مأموریت خود پیشکش و تعارف بارسید و واجب یکساله خود را داده آتوقت بمقر مأموریت بروند چون بمحل مأموریت رسید

(شمرش رکابگیر و جلو دارش این سعد)

خدا فریاد حال زار نبه بیچاره از خانمان آواره ضریب بینوا برسد - نه قلم را قوه تحریر و نه زبان را یاری تحریر است که سلوک با ایشان را شرح دهد (مسلمان بشود کافر نه بیند) اگر خوف هتک یا آبروی دولت نبود ضمه مینگاشتم تا جنابعالی و سایر مشرکین محترم دیندار دولت خواه وطن دوست سرشک خونین از دیده جاری نمایند لکن (مصلحت نیست که از پرده برون افتد رار) (باقی دارد)

شیراز

خبر نگار محترم ما از شیراز مینویسد - بعد از آنکه اولیای دولت قوشوکت علیه حضرت علامه الدوله فرمانفرمای فارس را احضار به تلگرافخانه و مأمور با استقبال و پذیرائی لارذ کرزن فرمانفرمای هندوستان کردند اظهار داشت یاسی هزار تومان دولت بدهد - با حکومت پتاور را ضمیمه فارس نمایند - چون این تلگراف حضوری سه روز واقع شد و در ظرف یک هفته هنوز اولیای دولت علیه جواب رد و قبول نداده بودند اعضای ایالت فارس باطمینان اینکه دولت ناچار استکاف از دادن سی هزار تومان مخارج میکند و بنادر را ضمیمه خواهد کرد - احکام و ارقام بهال جزء نوشته قاصد مخصوص در اطراف

کسیل داشته بشارت ضمیمه شدن بنادر را به ضباط و عمال مرقوم داشتند - و در خروج از تلگرافخانه بمحضار شفاهاً فرمودند که بنادر با ما شد

موتوالدوله برادر زاده حاجی میرزا عبدالله خان که ده سال قبل قوسول جنرال بمبئی بود بنیابت حکومت بنادر انتخاب نمودند - اعضای ایالت وجد و سرور و شوق و شهنی نهایت داشتند -

ولی در تلگراف ثانوی حضوری ایشانرا از این قهره آبوس کردند - و تصریح فرمودند که بنادر ضمیمه فارس نمیشود - پس از وصول این تلگراف اعضای ایالت فارس با کمال ملالت و دلنگی - وار باطراف فرستاده قاصدهائیکه حامل پاکت و شامل بشارت ضمیمه شدن بنادر بفارس بودند عودت دادند - فقط دو قاصد کاغذ خود را رسانیدند - یکی یاقق که به محمد حسن خان کشکونی نوشته شده بود - و دیگری به کریم خان بویر احمدی مرقوم گردیده بود قاصد بسرعت صبا و شال رفته پاکتها را رسانید

بوشهر

مواقف اخباریکه از بوشهر خبر نگار ما مینویسد تجار و اطام شیراز بتواتر قصه ضمیمه شدن بنادر را بفارس نوشته و این شهرت علاوه از اینکه در بوشهر انتشار یافته سالار معظم هم کاملاً مسبوق شده بودند - باوجود این بواسطه قبول طمه و حسن سلوک و مهر بنایمائیکه باطراف و طامی داشتند و نفوذ و پیشرفت ایشان باطاعت و تمکین اهالی از عالی و دانی و غریب و بومی افزود - و در تلگراف حضوری هم که برای تهیه ترتیبات و موجهات پیشریضات فرمانفرمای هند احضار بتلگرافخانه شد ابدأ از این انتشارات اظهاری نداشته بملاحظه وطن پرستی و دولتخواهی با کمال جد و جهد مشغول تهیه و لوازم پذیرائی بر آمدند مدحت الدوله را برای منزل علامه الدوله میهای روسی فرمانفرمای هند و اسباب و مبل از روسیه

حسب الامر اولیای دوات قوی شوکت مقرر بود که پذیرائی و تشریفات عباسی را با بنفسه تمویل دارند - و این خدمت بسیار بزرگ و ارزنده معذالك محض اینکه پذیرائی هر یک از این اوقات اقدس شاهانه و ابنای وطن عزیز مدینه مآب ملاحظه و مفاہرت دستور العمل - بمجیر السلطنه و نواب عباسی و لنگه برای تهیه تشریفات نوشته خود شان در بوشهر مشغول تیه و تدارك شده لوازم میهمانی را بطور شایسته از هر طرف فراهم آوردند - با اینکه همه جهت دو روز زود تر از ورود فرمانفرمای هند به بندر عباس وارد میشدند و وقت خیلی مضیق بود - بملاحظه ادب و احترام بایالت فارس تا روز ورود ایشان در بوشهر توقف کردند - از خشت تا اول خاك بوشهر امین الرعایا را برای خدمتگذاری معین و تا احدی معز المملک نایب الحکومه بنادر را استقبال فرستادند

در منازل همه جا سیورسات و مقتضیات احترام را حاضر نمودند - سالار معظم شخصاً تا اول مسیله استقبال کرده - فوج و توب خانه بوشهر را تا بهیمنی باستقبال آورده در ورود علامه الدوله بیست و یک تیر توب شلیک کردند - و تا عصر سالار معظم نزد ایشان طایفه سپس معز المملک را برای خدمتگذاری گذاشته خودشان با عده توپچی و سرباز و صاحب منصبان نظامی با جهاز (پرس پلاس) بسمت بندر عباس برای انجام خدمت مرجوعه حرکت نمودند (شرح پذیرائی و تشریفات لنگه و عباسی در لایحه علیحده نوشته شده است)

اعضای جناب علاء الدوله بعد از رفتن سالار معظم نفس نکشیدند و خنبنده را ندیدند مگر اینکه طایفه و هتاک که شیوه غیر مرضیه بعضی از حکام است معمول نگارند و مرض و ناموس و آبرو و شرف مردم عزیز محترم را نبرند - شرح اخلاق ذمیمه و عادات قبیحه آنرا در کتابی در خود و لایق نیست که صیفات بد و زشت نامیر مقیدین باین آلوده شهر را بنویسد فقط سوه

اعمال و نقص حرکات آنان را که در این مأموریت ابراز شده مینگار

شب غمره رمضان از ناموزگری بوشهر خبر دادند که چون فرمانفرمای هند درد پا دارد نمی تواند بخانه مدحت الدوله بیاید - قتل از آنکه ترتیب ورود و خروج فرمانفرما داده شود و فرار صحیحی با ناموزگری بگذارند که موجب اشکال و مایه کدورت در دولت نگردد فوری عمارت چهار برج را برای خود و فرمانفرمای هندوستان معین کرده که یک اطاق منزل فرمانفرما باشد که دواب معین کرده است - و یک اطاق منزل علاء الدوله و در این دو اطاق ملاقات رسمی و دید و باز دید نمایند - بدون ملاحظه امرای خانه مدحت الدوله را نقل بچهار برج کرده مشغول ترین آنها شدند و در این چند روزه که سالار معظم در بوشهر نبود اعضای ایالت فارس بوسائل مختلفه در مقام انقلاب و اغتشاش بوشهر برآمده از هر طرف تا توانستند اسباب چینی کرده طرف وعامی - ملا و مکلا را تحریک به فتنه و فساد نمودند - بواسطه حسن سلوک و جذب قلبی که حکومت بنادر از مردم کرده و هر طبقه و سلسله طالب و خواهان او بودند مساعدت با خیالات مسئدانه آنان که همه از روی اضرائش شخصی بود نکردند - ملاحظه فرمائید تا چه اندازه حرق ناشناسی است کسانیکه گوشت و پوست و استخوانشان پرورده نعمت دولت و باک و علمی و بی تجربگی بمقامات عالیه ارتقاء جسته اند در موقعیکه مهان عزیز محترمی از مملکت بیدری میآید - تاریخ ایران قرنهای گذشته و ورود چنین مهان بزرگی را خبر میدهد نخواهند در هیچه موقعی شهر و مملکتی را که آن مهان وارد میشود منقلب و آبروی دوات و شرف ماب را ببرد - و حال تنک بر رخسار ایران و ایرانیان نگردد -

در این چند روز اعضای اناب فارس از هتاک و بیزگی نسبت با جزای سالار معظم غرو گذار نکردند حتی نسبت به معز المملک نایب الحکومه بنادر - ولی

معزیه‌ای چون میدانست که مقصود آنان است که وسیله بدست آورده شکایت باولای دولت کنند. محتملاً شاید اسباب بی نظمی شهر گردند سکوت اختیار کرده هر چه گفتند و کردند متحمل گردید.

روز نهم رمضان سالار معظم از شد عباس وارد پوشه شد و روز دهم (گرنل کنسبل) با لیون اندیس مقیم پوشه محض پذیرائی لاردرزن در فونسل خانه انگلیس وارد و برای ترتیب ورود فرما فرما و احترامات او جناب علاءالدوله را ملاقات کرده معلوم نمود که هر ترتیبی داده شده مقرون بسلیقه و صحت و قاعده نیست و کاملاً با قرارداد دولت علیه ایران موافقت ندارد چه موافق قرارداد دولت علیه علاءالدوله باید سبقت دیدن از فرما فرمای هند نموده در حال عسکه با لباس رسمی برای پذیرائی حاضر باشد - و چون در چهار برج خود منزل سک کرده فرما فرمای هند نمیتواند چهار برج را منزلی که از طرف دولت برای او معین شده بشناسد و این ترتیبی که قرار داده اند که فلان اطاق منزل خود و فلان اطاق منزل رسمی فرما فرمای هند باشد نسبت اطفال و مایه حیرت عفاست که برای مهان عزیز محترم بزرگی چنین ترتیبی داده شود.

باری مذاکرات مفصل و مجالس متعدد در این باب شد. عاقبت علاءالدوله گفت منزل دیگر برای فرما فرمای معین میکنم که بمنزل دولت ورود کند. و مناسب عمارت امیره که منزل مسیو وامبرن رئیس گراک است که دولت اجازه او را میدهد - بالوز انگلیس گفت من نمیتوانم قول بدهم - احتمال میدهم که فرما فرمای قبول کند - ولی فردا وزیر مختار دو ساعت قبل از فرما فرمای پیاده خواهد شد یا حضور او ترتیب اینکار داده شود - با اینکه باز مطلب محمل ولا یحل بود فرستاد منزل رئیس بخمال خود گراک و مرتب کردند - صبح دوازدهم که کشمیر (لاردرزن) وارد شدند سالار معظم برای استقبال یا جهاز پرس بلیس بر حسب تعایات و دستور العمل

اولیای دولت علیه با استقبال تا خارج ننگرگاه رفت - (سرآرثر هاردنج) وزیر مختار انگلیس با جهاز لارنس بقاوی پوشه آمده پیاده شد - مجلس مذاکره و ملاقات کردی میرزا بطور تحقیق معلوم شد مقصود اصلی فرماندهی فارس این بوده که عمارت چهار برج و این میهمانی را باسم خود جلوه دهد و بگوید از من است و فرما فرمای هند ممکن باین ترتیبات نکرده بمنزل مسیو وامبرن رئیس گراک هم پیاده نشدند.

چرا بر بد بختی دولت ایران گریه نکنم و افسوس نخورم که با وجود اشخاص سیاسی دان کامل از قبیل جناب ناصر الملک و امثال آن که بمحقوق ملل و قانون دول بصیر و روزگاری زحمت کشیده و شاه شهید سعید نورالله مضجعه خرجها کرده و تربیت نموده در چنین موقعی مأمور نکنند که مایه نیکبانی و باعث روسفیدی ایران شود. مسلم است کسانی که هیچوقت با اهالی اروپا طرف نبوده و از قانون بین دول خبر نداشته همینکه مأمور باینگونه خدمات شدند ملت بد بخت ایران را که به مهان نوازی معروف و سرآمد تمام ملل روی زمین اند تا این درجه بدانام و میسائت دو دولت سکدورت می اندازند -

صبح دوازدهم که بنا بود (لارده) وارد شود تمام صاحب منصبان با لباس رسمی زیر دارالم حاضر بودند جماعتی هم از اهل شهر ازدحام داشتند - چند نفر خانزاده و بیک زاده قشقایی و بجز احدی هم که همراه بود بستاده بودند - وزیر مختار از جهاز پیاده شد - در حین ملاقات بعد از تعارفات رسمی حاضرین بوزیر مختار معرفی شده - معرفی گفت این خوانین که ملاحظه میکنی هیچوقت اعتنائی بدولت ایران نداشته اند و پیش هیچ حاکمی غیر قنده در این سفر آنها حاضر گردیده اند معلوم است که این معرفی میبایند که گویا اینها شاهزادگان مستغنی بوده اند که سابقاً همکین از ایران نداشته و حالا مصلح شده اند - بعد بمجال خان

و تا شر العجرة - رولق ده بازار ارتشاه بیاع ناموس
 وطن - دلال خاطر خانه نواده کرچی قوه کاذبه از اویک
 صدارت نحت گاه ترابذلت جای گرفت
 (۷۰) شکر از حضرت باری تعالی که این حامی
 ملت کفر را از استیلاء مسلوب ساخت
 (نایباً) کمال تشکر اربذل عواطف لواء شاهنشاه
 ایران که نوع ایرانیان را از تسلط و تقاب این کرچی زاده
 آزادی بخشید
 (ثالثاً) منتهای امتنان از اقدامات مجدانه علماء
 اعلام عراق عرب و برخی علمای طهران و غیره که
 زود ملتفت مفاسد و معایب و شایع اعمال این دین
 فروش شده مسامی حمیده در منزل این مبدع و دفع
 این مرض مسری مبذول داشتند
 (رابعاً) از مدبر محترم کمال ممنونیت را داریم که در اشاعة
 این بشارت و مزدکانی چشم همه مسلمین را روشن فرموده
 و بواسطه اشاعة این واقعات در جراید محترمه مرهمی بزخم
 دلخونین ایرانیان گذاردند که واقعات این مزده بهتر و
 شایسته تر از خبر قتل عبیدالله بن زیاد برای شیعیان بود
 طرفه حکایتیکه هموم ایرانیان از امین السالطین
 دارند این است ~~که~~ مدت می سال ریاست مطلقه
 دولت ایران را کرد - زیاده بر صد کروور بحساب معین
 از ملت و دولت ایران خورده و برد یکی از آنهمه ~~گرفت~~
 است که الآن بیست کروور دخل دارد مطابق تصدیق
 اداره ~~گرفت~~ - زیاده بر بیست و یکسال این اداره دست
 او بود و سال آخر شاه شهید به شصتصد هزار
 تومان رسید قبل از آن کمتر بود مداخلی ~~که~~ مطابق
 اصاف باشد امین السالطین و امین الملك سالی زیاد بر
 دو سه کروور فقط از ~~گرفت~~ بردند - وسالی زاید بر یکی
 دو ~~گرفت~~ از حکام ولایات و ایلات ایران پیشکش
 گرفته و در زمان معزولی هم احدی از او حساب
 نخواست و بعد دولت ملت بیچاره را بالغیرا بر چهل
 کروور مقروض بود - باز این محل نیز زاید بر نلک را
 برده بعد از اینها تقلید این هلقی کرده دولت و

دشق رسیدد بوزیر مختار تکلیف شد باو دست بدهد و
 بدین قسم معرفی گردید که يك نفرخان بزرگ است که از
 اول عمر تا حال ~~ی~~ بقت از دشق خارج نشده و هیچ
 شهری را ندیده ~~انگه~~ همین جمال خان اوایل
 همین سال تقریباً سه ماه در بوشهر بود و بامنتی
 بالیوزگری محاکمه داشت - و مجالس عدیده در چهار
 برج برای ختم عمل آنها منعقد شد

حسینقلی نواب را هم که از وزارت خارجه باین
 عنوان فرستاده بودند که چون سالها در فرنگستان
 بود و مسبوق باین قسم پذیرائیست همراهی با
 علامالسلوله بنماید - در يك مجلس قسری مذاکره با
 بالیوز کرده بود که چهار برج عمارت اختصاصی دولت
 است که برای پذیرائی فرما فرمای هند معین شده -
 علامالسلوله باو تهدید ~~گرفت~~ که این مذاکرات
 ربطی بتو ندارد - و اجازه خداری حرف بزی و بیالیوز
 گفتند ابدأ اینها مداخله در اینکار ندارند و حق
 منکره هم نخواهند داشت - تمام مسئولیت اینکار با خود
 من است و فرمهای آن روز در فضای جلو چهار
 برج در ملامت عام که این بنده هم حاضر بودم خیلی تنبیر
 و تهدید بنواب کردند و حرفهای خشن و سخت باو
 گفتند آن هم محض حفظ آبروی خود دم در کشید
 و در این مجالس هیچ رأی نداد و سخن نگفت تا آنکه
 شد آنچه باید بشود

مکتوب از کربلا یملی

موبدالاسلام - در عشرة آخر جمادی الثاني فیوضات
 الهی شامل حال ایرانیان نعمت آسمانی رزق گرفت -
 ابواب نعم مستعود مرض شقا قلوب پیجوی یافته امطار
 فضل و رحمت باریدن گرفته ذلیل کننده مسلمین بغاگرامت
 مرسوسه مادم اساس سید المرسلین بر اندازنده شجره
 اسلامیت و امنیت مخرب مذهب جعفری سلام الله علیه
 بنیاد کن امنیت بر باد ده عدالت ناشر ریات کفر
 مروج شریکات در معین مخنزق مبانی زندق و الحاد فروشنده
 عرش و مظاهرین - مسلمان مسلط الكفرة - و منلل البرة

ملت را دست بسته خواست تسلیم دولت خود نماید
ایراد و اعتراض اهل ایران بر او این است که با
اینهمه مداخل بفر استحقاق و عزیز بی جهت بودن
چرا باید ملت اسلام را بکفر تسلیم کند -
لکن عجیب تر آنکه جماعتی در عراق عرب هستند از
خواهوانان و بی که اینها سالی دوسه هزار تومان بیشتر
ار او مداخل و عایدی ندارند و در اخذت که علماء
اسلام و عموم اهل اسلام از مداخله این السلطان
مطلع شده بدوات تشکی داشتند آن جماعت پر حیت
و با دین از حقوق محمد مصطفی و آل او چشم پوشیده
و از ادای حق وطن پرستی اغراض و از ناموس هیئت
مسلمین صرف نظر کرده با جد وافی و جهد کافی
حمایه از قوه کاذبه مینمودند - و هرکس هر عنوانی
از معایب قرض یا کردار او ذکر میکرد فوراً بطهران
اطلاع داده آن بچاره را مقصر دولت میکردند - و حال
آنکه این اشخاص از روی دین داری و وطن پرستی
اعتراض مینمودند و مقصودشان دفع معایب امور بود
از قبیل فرض از خارجه با آن شرائط صکه احدی
راضی به استعراض نمیشود و امتیاز عماره کلیسا
و مدارس با جانب که در شهرهای معظم ایران بنا کنند
و سایر امتیازاتیکه در عهد صدارت او باغیاب داده بود
جای سوختن دل انجاست که حامیان امین السلطان
چشم از حقوق و این نعمت مجازی خود پوشیده هر خراب
کاری که کرده و نمیتوانند هیچ محلی برای او بسازند
نسبتش را بذات اقدس ملوکانه میدهند - این دین
فروشان هرکس هر ایراد گیرد ولو آنکه بگویند امین السلطان
خوب نمینخواند که عداوتش را بسته از اقتضای
و تزیین حال و نهب اموال او مضایقه ندارند ازین
هیئت چند نفر را محض عبرت دیگران عرض خواهد نمود
که در جراید اسلامییه ثبت و ضبط ماند که عامه مسلمین
بدانند که از قوه کاذبه بد نفس تر هم بسیار است

غمازی مورث بد بختی ملت و

دولت میکرد

زبان رسالت حضرت موسی علیه السلام در

موسم معین باران نیسایمده کشت و زار موقوف
شده ذوقه خلق بر طرف گردید - از این سبب قطع
و تنگی عظیم در میان بنی اسرائیل عافت - ایواب
فراغت و رفاهیت از هرجه میریز گردید - و
اضطرار در دلها بساط اقامت طرح کرد - دست
سبر و طاقت آن گروه بفراتک آن حادثه بقفا محکم
بسته شد - خاص و عام بنی اسرائیل بخدمت موسی
شفاقه ساسله عجز را بجنبش آورده گفتند - ای آنکه
وجود جلیل و لطف جلالت واسطه و محرك نزول
فیوضات انوار تعالی و کفیل رفاهیت و ضامن طافیت
حال بینوایانست - از سبب فقدان قوت و معیشت
که خانه زاد عدم سپاس داری نعمت و رحمت الهی
است کار خلائق باضطرار کشیده - و سختی از حد
اعتدال متجاوز گردیده - وقت نوح و محل عنایت
است - موسی علیه السلام با جمیع اشراف بنی اسرائیل
در صحرائ مناجات رفته چهار شبانه روز تخم تضرع
در زمین القاس میباشیدند - و از درگاه مجیب الدعوات
با دیده های کریان طلب باران رحمت مینمودند - از
هیچ جهت شاهد اجابت گوشه چشم التفاتی نمود -
از خزانه مرحمت دوانی باین درد ارزانی نشد -
حضرت موسی سر مبارک در سجده گاه معبد ابتهال
گذاشته بدرد بسالید و گنت یا معبود بیزوال چهار شبانه
روز است صکه با این قوم که وظیفه خوار خوان
عبودیت و بندگی تواند طلب رحمت میکنم - در آستان
کعبه جود و فضل تو که مبدأ فیض و مظهر ظهور
احسان نامتناهی است امساک و بخل نمیشد و کسی
از لب این بحر نشنه بر ننگر دیده - آیا چه مصلحت
سد راه حصول این مطلب است ؟ از جانب رب العزه
ندا رسید ای موسی اگر چهل شبانه روز مناجات
نمائید باجابت نخواهد رسید - چرا که در میان قوم تو
شخصی است بملت مذموم غسازگی گرفتار - وجود
نا مبارک او واسطه محرومی اجابت دعاست و مانع حصول
رحمت گردیده - او را بگو که از این فعل ناصواب توبه کند -

مقدس اندکی توجه در اصلاح اخلاق اینگونه آقا زادگان نموده تا در آینده مورث رستگاری خودشان گردد

حبل المتین

این قبیل مراسلات از مراکز موقه بارها با داره رسیده اعضای نامه مقدس هم از حرکات ایشان چه در ایران و چه در عراق عرب مسبوق بوده اند - مع ذالك بملاحظه حفظ نوع ناکنون اغراض از درج آن مراسلات نمودیم اینک سر بسته باواز بلند ایشان را متنبه نموده که دست از القاء شبهه و حرکات نا شایسته بردارند - و بیرون از مسلك خود حرکت را ترك نمایند ورنه يك صربه پرده از روی کارها برداشته عیناً آن مراسلات را باسم و رسم درج کرده ضمناً نیز ملاحظات خود مان را در مقصد و منشاء حرکات آنان خواهیم نگاشت تا بر خودشان ظاهر شود که بالقاء شبهه آنها هیچ امر در پرده استتار نتواند ماند

پذیرائی فرمانفرمای هند

در خلیج فارس

سالار معظم صبح بیست و ششم شوال از بوشهر حرکت کرده علی الصبح بیست و هشتم بلنگه رسیده از جهاز پیاده شده دستور العمل چراغانی وزینت شهر را داده عصر بسمت عباسی حرکت و صبح بیست و نهم وارد بندر عباس شدند - تا سرباز و توپچی پیاده شد و اجزاء و اصحاب بخشکی رسیدند متعارن ظهر بود عجز السلطنه و بپسر نظام رفتند بمجهاز قریب ظهر پیاده شده تجار و اهالی عموماً جلو عسکه حاضر بودند - سرار و توپچی هم بالباس مزین صف بسته بعد از ورود بهارت و لندیزی نطق بلینی خطاب تجار داده که چون مهان هنریزی وارد میشود و وقت هم ننگاست محض حق وطن پرستی باید مراقب بوده کمک نمائید و با من همدست شوید که در چراغانی و زینت شهر و بازارها قصور و تقوری پیش نیاید - همه کی دارالتجاره خود را زینت نمائید - بالجله همان روز شروع بنزین کرده از جلو عسکه برای اینکه اگر در پیاده شدن دقت باشد و استیمناع عسکه

موسی علیه السلام بناید و عرض کرد یا واهب العطا یا بمن اعلام فرما که غماز کیست تا او را امر بتوبه کنم خطاب رسید که یا موسی ^{رفی} ازرا بسیار دشمن میدارم چگونه تواند شد که خود ^{رفی} بازی کنم - و آنرا در پیش خلق رسوا و شرمسار گردانم - تو قوم خود را بگویی تا همه از غمازی توبه کنند تا آن نیز در میان توبه کرده باشد - حضرت موسی چون از مناجات فارغ شد همه امت را از غمازی توبه داد - در ساعت در کنج خانه رحمت الهی گشوده آثار توجه یزدانی ظاهر گردید - و از رشحات سبحان آن شفقت بهره مندی کامل یافتند ای بزرگان عظیم اقتدار ~~مرکب~~ این تمثیل در ساحت تقریر بدان گرم جولان ساختم و بدرود سربزرگان نوداختم که شبهه در خاطر خاطر شهریار نماید که غماز را چنان شامق است که وجود ناصواب او سد راه جمیع سعادات است - و در مسلك هر جمیع که پیوندد بخوست ذات نامیمونش سلسله آن جمعیت پراکنده و بی نظم گردد و اهل آن سلسله از همه فواید محروم بممانند

مکتوب از عراق عرب

۱۳ رمضان ۱۳۲۱

جناب مؤید الاسلام - چند نفر از آقا زادگان محترم ایران که تمول بخون جگری دارند محض قریب نامه در عراق آمده چند سالی توقف نموده بالقاء شبهه نوشته از اساطین دین مبین بدست آورده ~~که~~ در ایران ملون مردم را شیشه کنند این گروه سابق که می آمدند از ظاهر شرع تا در عراق عرب بودند خارج نشده دست از تقوای ظاهری و دیانت چاروادلری نکشیده مشغول تحصیل بودند - این ایام بواسطه عدم مراقبت نامه اساطین دین مبین از حرکتشان چادر را بکشاخ انداخته آنچه در ایران امکانشان نبود در این اراضی مقدسه می نمایند - و بنای القاء شبهه را بهاء اعلام گذارده بهر جانب که خود و پدرانشان مایل اند آنها را مائل می نمایند و مرتکب اعمالی میگردند که مرا از نگارش آن شرم می آید خوب است که اعضای نامه

برسد دو به مزین خوبی باطاق و رواق دستور العمل دادند که به بندند و يك طاق نصرت با شکوهی هم در روی عسکه بسته شد قالبچه و آئینه و چهل چراغ زیادی آویختند و دور عسکه را چوبهای تلگراف کشیده تماماً را با پارچه‌های رنگین پیچیده سیم کشی کرده روز پرده‌های ملون آویختند و شب چراغ و فانوس و تمام عسکه را از قالی و قالبچه فرش کرده و چادر منصلی زده شد دیوار عمارت و لندیزی و بازار را با پارچه‌های زرین و قالی مزین داشتند

بهرحیة تمام اینکارها دو سه روز فراهم آمد - سالار معظم شب نهم وارد شد و فرما فرما صبح دوم همانوقت وزیر مختار با جهاز الفنس وارد ولدی الورود بملاقات سالار معظم آمده پس از ملاقات با درشکه که سالار معظم برای احتیاط سواری لارد کرزن از بوشهر همراه آورده بود رفت بنای بند بقونسولخانه خودشان و عصر مراجعت بشهر کرده بنماشای عسکه و زینت شهر و اشتغالات سالار معظم مشغول و خیلی اظهار مسرت و امتنان کرده شب دوم سالار معظم بمحاز برس پاپس رفته صبح دوم که فرما فرما وارد شد وزیر مختار در قونسولخانه بود - سالار معظم بموجب پروگرام وزارت خارجه يك میل با جهاز برس پاپس استقبال کرده جواب سلام جهاز جنکی آدمیرالی را بیست و يك تبر داده و يك صاحب منصب برای تبریک ورود و احوالپرسی و تعیین وقت شرفیابی بمحاز هاردنج فرستاده وزیر مختار هم فوری از شهر بمحاز هاردنج رفته همان ساعت سالار معظم بملاقات فرما فرما رفت - در عرشه جهاز هاردنج مجلسی تشکیل داده بودند خیلی مزین و عالی و - حضرت فرما فرما با کمال توقیر و تجلیل سالار معظم را پذیرفته و در دست راست خود در صندلی که مثل صندلی خودشان بود در حالی که سر هاردنج وزیر مختار مقیم ایران و مدیر خارجه هند و کرنل کنسبل بالیوز مقیم بوشهر و بعضی صاحب منصبان حضور داشته

سالار معظم نطق باینی که متعصب به تبریک و تهنیت از طرف قرین الشرف بندگان اعلیحضرت قویشوکت شاهنشاهی خلدالله ملکه اظهار حرکت از این سیاحت (لارد کرزن) در خلیج فارس متضمن استحکام روابط اتحادیه دوتین ایران و انگلیس و ترقی ثروت و تجارت خلیج فارس و روابط هندوستان است نموده بطوریکه وزیر مختار و صاحب منصبان مکرر اظهار مسرت و امتنان از این نطق کردند

لارد کرزن هم با خوشوقتی و مسرت جوابهای بامعنی مطابق سؤال داده بعد اظهار تأسف کرد که چون پای مرا اسب لنگد زده حال پیاده شدن ندارم - وزیر مختار و وزیر امور خارجه هند را عرض خودم بیاز دید شما میفرستم و میل دارم عرض من بپذیرید - و پس فردا شب در بندر لنگه میل دارم با شما شام بخورم سالار معظم هم دعوت را پذیرفته بعد مجلس ختم شد و وداع کردند وزیر مختار چندتایی و مدیر خارجه و مدیر نظامی تا مریله جهاز شایب کردند و بفاصله یکساعت وزیر مختار و مدیر خارجه هند و يك صاحب منصب نظامی پیاده شده و باز دید کردند و مدیر خارجه هند با درشکه سالار معظم و چند نفر قزاق رفت بمحلی که برای قونسولخانه معین کرده اند - و مراجعت کرد و رفتند بمحاز و شب تمام شهر چراغان مفعلی شد و عسکه و عمارت طوری چراغان بود که از لنگرگاه خیلی با شکوه و خوب جلوه داشت - نصف شب از عباسی حرکت کردند سالار معظم هم صبح زود بطرف لنگه آمده مشغول تزیین و ترتیب کار لنگه شده یکساعت بغروب بخیم رمضان مانده لارد کرزن وارد لنگه شدند و سه ساعت از شب گذشته سالار معظم برای وقت شام بر حسب دعوتیکه داشت بمحاز هاردنج رفت بمحیرالسلطنه را هم دعوت کرده بودند در طرف راست ما دام لارد کرزن سالار معظم را نشانند و زیر دست او وزیر مختار بود - و در دست چپ لارد کرزن بمحیرالسلطنه را نشانیدند اغلب صحبت لارد کرزن با سالار معظم در

جغرافیای ایران بود و در وقت نوشتن جام صحت سلامتی لاردرگزین لطلق منصلی که نیم ساعت طول کشید در کمال فصاحت از روابط اتحادیه دوآیین و مقاصد طالبه خودشان در ترقی تجارت خلیج اظهار داشته و ضمناً بشکرانه اینکه پادشاه ایران این اعزاز و اکرام را بمن کرده و این تهنیت و تبریک را گفته و مثل سالار معظم را که از اشخاص دانشمند است به بند عیاس برای احترامات من فرستاده مینوشم -

نطق بلینی هم بلافاصله سالار معظم کرد که چون قرنهاست تاریخ ایران خبر نمیدهد يك همچو مهمان محترمی به خلیج فارس آمده باشد لهذا این يك علامت و نشانه بزرگی است از روابط اتحادیه دو آیین قویشوکتین ایران و انگلیس و بهمین واسطه میتوان دانست که مراوده و تجارت خلیج فارس و دولت هندوستان بحدکمال خواهد رسید و مزید آباهی اینحدود خواهد شد و برتجار و رعایای ایران که فعلاً ساکن هندوستان هستند پیش از پیش خوش خواهد گذشت و این مسافرت لاردرگزین رابعت مزیدعلاقه محبت دو پادشاه و الاجاه باید دانست - باینواسطه منکه مأمور دولت وزیران ملت هستم در اینموقعیکه مثل لاردرگزین شخص کامل دانشمندی بخلیج ایران تشریف آورده و مثل سرهاردنج وزیر مختار محترم انگلیس مقیم ایران حضور دارد باکمال مسرت بسلامتی اعلیحضرت پادشاه کل ممالک انگلستان و قیصر هندوستان مینوشم - و بعد ساعت هفت از شب وقت وداع تا دم یله که از مجلس خارج میشود مشایعت از سالار معظم کردند - مدیر خارجه و مدیر نظامی را تا سر یله جهاز که باستیملنج داخل میشود بمشایعت فرستادند و خیلی احترامات فوق العاده از طرفین بعمل آمد و فردای آن شب وزیر مختار آمد بشهر در نظامیه سالار معظم و مجیرالسلطنه را ملاقات نمود

مکتوب از طهران

دین اوان وقایع بسیار و چنانچه هر یکرا بتفصیل نگارش دهم موردت تطویل است - علی سبیل الاجمال

رؤس واقعات و حادثات را بدون حشو و زاید چینی عرض میباشد - مشورتخانه را که بعضویت یارده فر شاهزادگان عظام و رجال نظام تشکیل شده بود که امور مهمه دولتی در آنجا فیصل شود هنوز بطور کمال صورت نگرفته از هم باشید

وزراء اربعه که هر يك در کارهای خود مستقانه اتفاقیکه شبایسته آنالست بین شان دیده نمی شود - فعلاً هر کس بخمال خود بهمین قانع است که چند صباحی عرابه کار را بگرداند تا دستی از غیب بیرون آید و کاری بکند

دستگاه دولت خیلی تنگ و پی پول است - استقرار هم از هیچ جا ممکن نیست - روسها نمیدهند - انگلیسها تغییر مسلك داده اند - بتازگی از تاجر داخله دویست هزار تومان قرض و نقشونیکه جمع و بناست مرخص نمایند داده شد - در صدد آید که اقلاً يك کروار تومان از داخله استقراض و چند روزی اداره امور را بگردانند

قرار نامه مسیونوز را اراده دارند شش سال دیگر تجدید کنند - افسوس که عدم علم و بصیرت رجال دربار (مسیونوز) را چنان جلوه داده که گویا جمیع نیکیبختی های ایران منحصر بوجود اوست - و حال اینکه دولتیان خطای بینی است که کرده عتقرب نتایج آن بروز خواهد کرد - یعنی وقتیکه جز کف افسوس بودن چاره نداشته باشند

جناب معین الملک پس از ورود بدارالخلافه باهره خیلی مورد مراحم بی پایان ملوکانه گردید - ظن متراحم بعم است که حضرت اشرف امین الدوله عم اقرب متصدی امور دولت شود - شاید خداوند تفضل بهال اهالی بچاره فرموده رشته امور از هم نکسلد

اردوی نظامی مدتی است در خارج شهر دارالخلافه تشکیل یافته بود - چند روز قبل در (دو شان تبه) (ماور) نمودند - قشای این (ماور) را پرنس دادیان ارمنی تربیب داد - حق این است اگر ایرانیانرا غیرت و

را قبول نمایند برخی میگویند علامتک وزیر خارجه خواهد شد

موکب هایون درقم و محتمل است نقشه تبدیلات کلیه درین سفر ریخته شود اگر چیزی درین سفر بروز نکرد تا عید نوروز تبدیل در وزارت نخواهند داد افواه است که اراده دارند دو عشر از کلیه مواجبها را برای سال آینده کم نموده نامیزان جمع و خرج دولت درجه تساوی را حاصل نماید

جناب سعدالله گویا تمام موسم زمستان را در طهران قیام داشته باشند

طیب حضور میرزا ابراهیم خان حکیم الملک که برادر زاده مرحوم وزیر دربار است میباشد - نفوذ و رسوخ مرحوم وزیر دربار را ندارد ولی بدهم نیست مسلماً وزارت خارجه تغییر میکند ولی غیر از امین الدوله در این رجال موجوده احدی مثل مشیرالدوله نمیتواند از عهده وزارت خارجه بدین ترتیبات برآید - حق این است که مشیرالدوله و مشیرالملک وزارت خارجه را وزارتخانه صحیح عمده اند قبل ازین مثل سائر وزارت خانههای طهران بود - امروز منظم ترین وزارت خانه های ما وزارت کمرگ و وزارت خارجه است تا دو سه سال قبل دولت سالی مبلقی بوزارت خارجه میداد و امروز وزارت خارجه زاید بر خرج خود دخل از تذکره پیدا کرده و این امر بواسطه ترتیباتیست که در ایام وزارت مشیرالدوله حالیه داده شده است

کلکته

هوای کلکته امسال چندان سرد نشد گویا سرما باخر موسم افتد

این ایام از اقطار هندوستان بزرگان و عماید بر رونق کلکته افزوده اند

بناسبت تعطیل عموم ادارات هفته آینده روزنامه مقدس اناعت نخواهد یافت

حیث بودی باید زمین دهن باز کرده آنرا فرو برد که يك ارمنی بجه در دارالخلافه طهران نقشه مانور آنرا ترتیب دهد - معلوم است نقشه را که پرنس دادیان ارمنی ترتیب داده باشد مانورش چه خواهد بود - خلاصه بعد از انجام مانور جز قسمتی از اردو که احتیاطاً در شهر خواهند ماند همه مرخص شده که بمحال خود بار گردند - و برای قیام آن حقه قشون ساخلوی در ایام زمستان چند کاروانسرا از جانب دولت کرایه شده است

افواه است شاهزاده سپهسالار بواسطه علالتیکه دازند پس از تفرق شدن اردو از وزارت جنگ استعفا داده برای معالجه بفرنگستان خواهند رفت

تلاکراف اتابک اعظم از منچوریا رسیده - تاکنون در حضور و دربار باتابک اعظم نامزد بود - این ایام مبدل به امین السلطان شده است

جناب مشیرالملک چند روز قبل بمركز مأموریت خود پتربرگ روانه گردید

در این دو سه ساله اخیر وزارت خارجه ایران مرجع کلیه امور بود - این ایام آن مرجعیت باقی نمانده - سبب گویا استقلال وزارت در کارهای خود همه جای ایران جز طهران امنیت کامل نیست هنوز قننه نقطه را خودگی نخشیده از طرف دیگر آوز غوغا بگوش میرسد

سفیر جمهوری (مکزیک) به مهابرداری محتشم الملک گیلانی وارد طهران گردیده و کالسکه دولتی نیز برای ایشان فرستاده شد

پسر مرحوم حکیم الملک که در فرنگستان مشغول تحصیل بود حسب الاجازه ملوکانه بطهران آمد

مؤید السلطان از حاجی ترخان وارد طهران شد در ورود حاجی امین الدوله گفتگو بسیار است عقیده جمعی بر این است که حاجی امین الدوله عهده صدارت را قبول نمیفرمایند بعید نیست وزارت خارجه

● جبل التین کلکته ●

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

● کلیه امور اداره ●

مدیر کل مؤید الاسلام است

● منتظم اداره ●

آقا محمد جواد شیرازی است

● هر دو شنبه طبع ●

و سه شنبه توزیع میشود

● بتاریخ دوشنبه ●

۲۲ شوال ۱۳۲۱ هجری

● روزنامه مقدس ●

● قیمت اشتراك ●

(سالانه شش ماهه)

● همد - و برمه ●

(۱۲ روپه ۷ روپه)

● ایران - افغانستان ●

(۵۰ قران - ۳۰ قران)

● عثمانی - و مصر ●

(۵ مجیدی - ۳ مجیدی)

● اروپا و چین ●

(۳۰ فرنک - ۱۷ فرنک)

● روس - و ترکستان ●

(۱۰ منات - ۶ منات)

جبل التین

سنه ۱۳۱۱

● مصادف ●

● قبل از دریافت نمودن قبض اداره ●

۱۱ جنوری ۱۹۰۴ میلادی (خریداران نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نمایند) (۱۰ منات - ۶ منات)

در این حریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد مافی بحث میشود

تقرارات عام المنصه مقبول و در انتشارش اداره آرادست

فهرست مدرجات

- تکرافات ● مکتوب بیفرضانه ● مکتوب از طهران ●
- مکتوب از شیراز ● گیلان ● مکتوب از کربلا ●
- مکتوب یکی از فضلا ● مکتوب یکی از غیرفندان ●
- مسابق طلای انگلیسها در افریقای جنوبی ●
- اعلان وزارت کربک و پست ایران ● تعرفه کربک ●
- مکتوب ادیب التجار ● مکتوب از مصر ●
- اعلان دولتی ● نقل روزنامه ادب ● ادب ● کربلای
- مطی ● بندرعباس ● مکتوب از بوشهر ● اجرت امانات
- پست بین هند و انگلیستان ● اسرای بوئر در هند ●
- امتداد ایام حکومت ملارد کرون ● صادرات هند در
- ۱۴ سپتامبر گذشته ● مکتوب از طهران ● کلکته ●

تکرافات

(۲۳ شوال - ۲ جنوری ۱۹۰۴)

● خبر (روتتر) از (توکيو) خبر میدهد که دسته از کشتیهای جنگی ژاپون که شش فروند امروه از (سایپو) حرکت کرده فردا به (سامسفر) خواهند رسید

● معاهده حکمیت در معاجرات تجارقی بین انگلیس و ایتالی چنانچه بین فرانس و انگلیس بسته شده بود

منتقد گردید

§ دولت روس درصه خدمات امیرالبحر (الکس آف) که فرمانفرمای صومخات دوره مشرق مقرر شده نشانی مخصوص قرار داده و دوارده ضرب توب سلام هم برای او تسلیم نموده است

§ در یکی از تماشخانه های (چکاکو) حیدرآباد هزار و سیصد نفر تماشایان جمع بودند حریق واقع شده تمام عمارت و اثاث آن سوخته جمعی هتوق و جماعتی نیز مفقود الاثر اند - نیش پانصد و شصت و چهار نفر را بیرون آورده و (۱۵۷) نفر نیز نیم سوخته شده بقیه مفقود الاثر اند تمام شهر پانم داری مشغول و بازارها را بسته نیم سوخته ها زیر علاج اند

(۱۴ شوال - ۳ جنوری)

§ اخبارات ژاپون يك قلم و هم آواز شده می نویسند که دولت ژاپون بدون تأملی باید اعلان جنگ بروس دهد مشکل است که دولت ژاپون بتواند خیال جنگ را از سر اهالی دور کرده مردم را آرام نماید بنگهای ژاپون نغذنه های خود را جلو گرفته مظلون است که این حکم را از دولت یافته اند. اهالی ژاپون منتظر نتیجه و فیصله امر اند

§ خبر لا رور (از (پکن) خبر میدهد که دولت چین در جنگ ژاپون و روس بی طرفی اختیار خواهد نمود (یانشکائی) از دولت چین خواهش نموده که افسران و سپاهیان ذخیره را طلب نموده که در چین ضرورت دولت را بکار آیند

§ ماقبت (جنرل دی جارج جی) ایتالیائی سردار قشون مقدونیا معرر گردید - بجای خبر از اشرار باقار مسلحاً شامل بلوآثیان مقدونیا شدهاند

(۱۵ شوال - ۴ جنوری)

§ خبر (روتر) از (پکن) بموجب اخباریکه از (توکیو) یافته خبر میدهد که دولت روس تسلیم خواهشات ژاپون را در ماده (کوریا) نموده و درباره منچوریا بدون دخالت غیر با دولت چین برخی قرار و مدارها خواهد داد - دولت ژاپون تسلیم این امر را نمی نماید - در ژاپون افواه است که اگر روس تسلیم خواهشات ژاپون را بپذیرد دولت ژاپون اعلان جنگ خواهد داد

§ دسته کشتیهای جنگی روس را که در (بزرنه) بود حکم رسیده که حرکتشان را متوی دادند

§ صلح خواهان عوالم انسانیت در (برن) از جمیع دول مستندی همراهی و تأیید شدهاند که شاید بتوانند مشاحره روس و ژاپون را بمجلس حکمت (لاهی) مرحوم داشته این مشاجره منحرف بخوبی بزی شود

§ بموجب خبریکه از (برلن) رسیده قشون روس فوج فوج بجانب اقصای شرق رهسپار گردیدهاند - و چندینست این سلسله را روس برای حفظ قوای خود در اقصای شرق امتداد داده است

§ (منتر بافورده) با (لارده لندون) مادی: زمان تخیه و در معاملات اقصای مشرق مشوره داشتند از آن بعد اعضای (دفنس کبیت) را شامل مشوره نموده مشوره نموده اند

§ دولت ژاپون جوابی الجواب روس را قبل از وقت مهیا نموده که بدون درنگ بدو بپارد -

تعمیر میکنند. جوابی روس بژاپون خلیه سلامت هرگاه که ژاپون باجوبه روس قانع نشود روسها راه مختیره را در اجوبه خود باز گذارده اند (۱۶ شوال - ۴ جنوری)

§ در (پترسبرگ) مجلس بسیاوه با شکوهی بریاست شخص شخص امپراطور منصف ردیده جامع از وزرا و شاهزادگان نیز در آن مجلس شرکت داشته جی را عقیده براین است که جواب ژاپون درین مجلس مرتب خواهد شد

§ یکصد و پنجاه نفر از اهالی ژاپون مقیم لندن بجانب (جنوا) حرکت کردهاند

§ دولت آنازونی در مشاجره منچوریا دعوی نموده است که جنرل قونسل او را در (موکدن) و قونسل ی را در (اوتون) قبول نمایند

§ بموجب خبریکه از (پترسبرگ) حایله جوابیکه روس برای ژاپون مرتب کرده بسیار ملایم و دوستانه است - و رعایتهای بسیار در آن جواب از ژاپون شده - مضمون است که ژاپونها تسلیم نمایند در آن جواب دولت روس صلح خواهی خود را بطریق موثوق بیان نموده - بوم بجنبه که عهد روسیان است جواب ژاپون اعلان خواهد شد

§ از (توکیو) خبر رسیده که تاکنون جواب روس بژاپون نرسیده - ژاپون سرداران بری و بحری خود را حکم داده که حرکات خویشرا مخفی دارند

§ از (ولادی ووسکا) خبر رسیده که کشتیهای جنگی روس در آنجا آمادگی بخرم را ظاهراً میدارند کشتی روس که از بندر (آرتر) حرکت کرده معلوم می شود بجانب (جیلفو) رفته است

(۱۶ شوال - ۶ جنوری)

§ روز نامه (استندرد) تلگرافی از (توکیو) بیان است که اخبار نیم رسی ژاپون جنگ را حتی الوقوع حلوه داده - دولت روس تمام تدابیرات جنگی خود را در (ولادی ووسکا) دیده است -

§ در (خار دینف) بمنج زغال که برای شرقی نالی خریداری می شود خیلی بالا گرفته. سابق شش جهاز زغال ژاپون خریداری نموده بود مجدداً چهار کشتی دیگر خریداری نموده است. سردار جنگی انگلیس نیز برای (هنگانگ) زغال از (خار دینف) خریداری می نماید وکیل انگلیس پنج هزار تن فی تن بیست شلنگ برای هنگانگ زغال خریداری نموده است.

§ بموجم خبریکه از (ولادی و دسکا) رسیده علت تکدر پادشاه (کوریا) نیز ژاپون آن است که ژاپونیا یک فوج قشون در (سول) برای جلوگیری از نفوذ روس فرستاده اند.

§ امیر بحر دولت آنازونی از (جیلفو) تاریخ چهارم بهر میبدهد که چون در (کوریا) آثار بلوا و اغتشاش نمودار است لذا برای حفظ سفارتخانه خود صد نفر لشکر در (سیول) فرستاده و حکومت کوریای جنوبی را باب بی طرفی اختیار نموده است.

§ در (جیلفو) دو فرورند کشتی انگلیس و دو کشتی روس و یک از امریکا و یک از ژاپون موجود است. خبریکه از (ولادی و دسکا) رسیده در باب تهیه جنگی روس تاکنون رسمی نشده ولی در (توکیو) افواه است که اگر این خبر قرین بصواب باشد دولت روس جلود ایران جنگ را دامن میزند.

§ صدو بیست نفر از قشون پمیری انگلیس باده انسر از لمن ری (جنوا) رفته که تدارک بدریا انداختن دو کشتی جنگی که ژاپون خریداری نموده بنمایند.

§ دو جهاز جنگی که ژاپون در (جنوا) خریده نام لوازم حرب را آماده دارد و بسیار آراسته است. در روز دیگر دریای شده بجانب ژاپون حرکت خواهد نمود. § خبر (روت) از (پکن) خبر میبدهد که از (ژان نیو جوانک) خبر رسیده که تجار ژاپون بوکلای خود نوشته اند که اهل و عیال آنها را از منچوریا بطرف ژاپون حرکت دهند. § در (سیول) سفارت انگلیس از (پکن) حرکت کرده که با

(سر - ای - ساتو) بعد جاده مشرق الاقصی مشوره باید. اطارت بلغار به بابعالی درباره رفع تعدی از اعالی مقدونیا و اجرای اصلاحات یاد آوری نموده است. (۱۸ نوال - ۷ جنوری)

§ خزنه کشتی (ولارد) در (سدنی) برکیده بیست و چهار نفر را هلاک نموده است.

§ خبر (روت) از (توسکیو) خبر میبدهد که تمام کشتیهای روس که در (ولادی و دسکا) بود لنگر کشیده بجانب بندو (آرتور) رهسپار گردیده اند.

§ تاکنون جواب روس بژاپون نرسیده ولی اخبار (استندرد) خبر یافته است که جواب ژاپون بسفارت خانه روس در (توسکیو) رسیده سفیر روس هنوز بژاپون تسلیم نموده است.

§ دولت آنازونی تلگرافاً بامیرالبحر خود (ایوانس) خبر داده که ملاحظه حقوق ژاپون را نموده که در آن نواح باپال بشود ولی تاوقتیکه دست اندازی در حقوق امریکا نشود سکوت اختیار نماید.

§ بعضی را تاکنون عقیده بر آن است که بین دولتین روس و ژاپون صلح خواهد شد. ولی روس زیاده بر آنچه مراعات ژاپون را کرده نخواهد نمود هرگاه دولت ژاپون بآن درجه مراعاتیکه روس نموده راضی نشود لابد این مشاجره منجر بجنگ خواهد گردید.

§ برای حفاظت سفارت خانه روس در (جیلفو) صد نفر قشون فرستاده شده مأمورین راه آهن در قبول آنها و بردن در (سیول) انکار نموده اند.

§ صد نفر از ساکنین امریکا که اصلاً از ژاپونند شریک در جنگ را از دولت ژاپون خواستگار گردیده اند.

§ در پترسبرگ افواه است که جواب روس وزارت خارجه ژاپون تسلیم شده است.

§ اخبار (طمس) مینویسد که اولین وظیفه ما آن است که اگر بین دولتین ژاپون و روس میدان جنگ آراسته شود دول سائره را از مخالفت با ژاپون بازداریم. این امر مسلط است که دولت انگلیس همگام و خطا نخواهد

داد که حکومت انصای شرق را يك دولت باقراد تصاحب نماید. و این امر راهرگر قبول نتواند کرد که از قوت و اقتدار ژاپون کاسته شود. هرگاه جنگ پیش آید دولت انگلیس را لازم است که حفظ حقوق خود را نیز کاملاً بنماید

§ بعد از رسیدن کشتی (دالارو) در سدنی معلوم شد که چهار نفر هلاک و سه نفر مجروح گردیده اند (۱۹ شوال - ۸ جنوری)

§ مخبر (روز) خبر میدهد که (بارن کومار) و (بارن روس) تاکنون اتفاق نه نموده و هنوز جوابی که روس بژاپون داده افشانه نکرده اند

§ در ژاپون دیروز انعقاد مجلس شده وزیر اعظم و وزیر خارجه نیز شرکت نموده اند گفتگوست که مجلس دیگر جامع تر ازین منعقد نمایند

§ قیمت سندات دواقی ژاپون که بوم چهار شبه غدیری بالا رفته بود مجدداً خیلی تنزل نمود

§ وقایع نگار (استرود) از توکیو مینویسد که دولت روس در جواب ژاپون ختم گفتگو را نخواهد نمود اهالی ژاپون از تأخیریکه روس می نماید برآشفته و مصر اند که بزودی جواب فیصل را از روس طلب نمایند

§ مخبر (روز) از بندر (آرتر) خبر میدهد که چند فروند کشتیهای روس دیشب ازین بندر عبور نموده که احمق بدسته چهارت جنگی که بجانب کوریا رهسپار شده باشند

§ دولت و بجهت نفر صحرانشینان (شرود) را که در هنگانک میباشد حکم رسیده مستعد حرکت شوندگویا این جماعت بجانب (سیول) و یا بطرف (پکن) حرکت نموده قیام خواهند نمود

§ مخبر (روز) از (یکن) خبر میدهد که چهار فروند کشتیهای جنگی روس از بندر (آرتر) عبور نموده اند § سفیر دولت ژاپون که بوزارت خارجه انگلیس رفته بود اظهار داشته که من نمیتوانم بیان نمایم که مجدداً دولت ژاپون جواب روس را بدهد یا نه - چون معاملات خیلی در هم و پیچیده شده نمیتوانم گفت که طاقت نگار منبر به صالح شود یا خیر

§ قیمت گویم یک (کولتر) به یک (شانگ) رسیده است

§ (طمس) پاریس می نویسد که نام دول را منفرها و مجتمعاً لازم است - قبل از آنیکه زمین پنخون لبناء جنس رنگین شود اقدام نموده بین روس و ژاپون صلح دهند § وزارت خارجه امریکا صلاح درین دیده که امیرالبحر خود را حکم فرستد که بعد از رسیدن به (گوم) بجانب دریای (سوینک) حرکت نه نماید چه درین موقع صلاح در رفتن بدریای روس و ژاپون نیست (۲۰ شوال - ۹ جنوری)

§ (کونت بکندروف) سفیر روس و (بارن هیاشی) وزیر مختار ژاپون يك دفعه در وزارت خارجه لندن رسیده سفیر ژاپون و الارد لنسدون وزیر خارجه انگلیس تا دیر زمان تخلیه ملاقات نمود

§ وقایع نگار (استرود) از پاریس مینویسد از روی معاهده که بین سیام و فرانس در پانزدهم فروری شده دولت سیام بفرانس واگذار نمود قطعه از اراضی را که فرانسه خواستار بود و وکیل همرد داشته اند که سرحد سیام و (کمبودیا) را تعیین نماید دولت فرانس نیز در عوض آن اراضی (جاپون) را بسیام واگذار کرده است

مکتوب بیخبرانه

ویدا اسلام - انشاء الله مؤید باشند - امروز موفق بقرائت روزنامه شده در شماره ۷ مورخه (۲۸) رجب سال یازدهم صفحه (۲۱) از فاضل یگانه آقا میرزا عبدالرحیم طلب اوف فاضلانه و بیخبرانه شرحی دیدم آخر آنرا بسیار خوب نوشته اند از آنجمله که لباس ندوان را اصلاح کنند تا آخر و طریق اصلاح ملت و دولت را از آن جناب خواسته و این وضع هیا هوی حالیه ایران را پسند نفرموده

آنچه بنظر احقر میرسد - چاره منحصر در این است که علماء اعلام عراق حجتا انشاء الله که نواب حضرت حجتا ميباشند و اقدام در اصلاح اغتشاشات ایران فرموده اولاً سایر علماء اعلام را جمع نموده بالاتفاق حکم صادر فرمایند بر ایجاد دایره و خارجه که در تجارت اشیاء اعیانه تا کلیت ممکن است کسب نگاهدارند و با آنها متنازه خود مهر و چاپ نموده همه برشانند و بنده از یکمال محکمی بالاتفاق بشوم و همین خاطر بر ما باشد که استعمال اشیاء

خارجی را بالا اختیار نمایند الا آنکه آنچه از سابق موجود دارند. و در آن حکم تشویق فرمایند که بدل آنچه از خارج می آورند در داخله موجود نمایند اعلی نباشد وسط باشد. قد و شکر را خود حمل آرند چنان نخرند با سعی و اقدام در زراعتش کنند جندی عوض چنان چیز دیگر بیاشامند تا چنان در ایران زراعت شود فلفل سیاه نباشد فلفل سبز استعمال کنند. لباسهای تابستانی و زمستانی از منسوجات اسلام باشد مثل کتان ملک ترکی که ملک اسلام است و قندک و برگ و سایر منسوجات ایران که همه بیشتر بیوشینند. و ثروتشان ضرب المثل اهل عالم بود. لاله بلور آلات نباشد فانوس و پی سوز و ظروف مسینه نل قدیم باشد. جیت های رنگارنگ نباشد پارچه های زک لطف ایران باشد در منع مردم از خرید مال پارچه پای افشارند و حکم سخت نصیحت آمیز فرمایند نیامد موجوده خارج تا چند سال بقدر کم بود بکارند. و بعلماء هر شهر نویسند و آنها را با خود بکریک فرمایند تا آنها هم مردم را بیاگاهانند که خرید اجناس خارجی باعث اعلای کلمه کفر و انحطاط کلمه اسلام و رفتن ثروت و دولت آنها و فقر و فاقه و تحط و غلامی ملت خواهد گردید. تجار عوض معامله خارجی سی در دائر نمودن اراضی باثرب و بکار انداختن معادن و معاملات داخله نمایند مردم بواسطه نداشتن بعضی چیزها. احتیاج شروع در یاد گرفتن علوم و صنایع. ساختن نیامد ما محتاج خواهند نمود و کم کم بازار علوم و صنایع. واج گیرد و متاع ما باقی بلاد خارج حمل شود. تجار خارجی هم که در ایران هستند چون بیکار شوند بملک خود خواهند رفت دول سائر هم قواسمهای خود را بواسطه نبودن رعایای آنها در ایران طلب خواهند فرمود اگر هم بمانند فقط برای روابط سیاسی خواهد بود اعیان سلطنت و غیر سلطنت هم یقیناً مخالفت علماء دین و نواب ائمه طاهریین را نخواهند نمود. چه آنان درین عمل خیر ملت و دولت را خواستگارند چون چنین شود چند سال اجناسی داخله به قدر زیاد خواهد شد و امتعه بهتر و

پاکیزه تر از آنها در بازار خواهد آمد و منفعت دولت هم از داخله بیشتر از گمرک خارج خواهد شد و رعایای ایران که بواسطه تحصیل پول و بیکاری باطراف پراکنده شده اند بایران معاودت خواهند نمود و خزان یعنی معادن از زمین بیرون خواهد آمد و نعمت و وسعت بواسطه همت تجار و متمولین بذریعۀ تعمیر اراضی بیخوله و کوهها و جنگلها روی مردم خواهد آورد زیرا که مجبور اند که در داخله راه مداخلی بدست آورند بیمارها مشغول کار خواهند شد و طلا و نقره و حواصات از جهات چند روی زیادت خواهد نهاد از آن جمله اگر کسی ده سال را حساب کند که چه مقدار ثروت اهل ایران هوا و موس عوض نیرنگهای فرنگ بهدر می رود تلفت خواهد شد. باندک توجه آبهای رفته مجوی آبد مردم با ثروت شوند دلهای اهالی قوی گردد توانی و کسالت بر طرف شود عمده کسالتها از بی چیزی و فقر است. و وقتی که قدرت علماء بر طالبان ظاهر شد که اهل ایران را از مطاعم و ملایس و مشارب لذت و قیسه باز داشتند و آنها قبول کردند و بای بند باحکام شریعت خود هستند رعب و هیبی خداوند عالم از اهل اسلام در دلبها قرار دهد. که هرگز خیال پیشرفت مقصد یا گرفتن امتیازی نمایند. و سلطنت هم از نهایت شوق و شغف قوانین شریعت ظاهره موافقت و همراهی خواهد فرمود. و همان قانون اسلام را بجزی خواهند داشت و اصول مساوات در میان خواهد آمد و آنچه وطن خواهان و دین طلبان و قانون جویان مایلند صورت پذیر خواهد شد. و علماء هم که چنین خردی بمؤمنین کردند طبعاً نوع اهل علم معزز و محترم خواهد گردید حکم حضرت حجة الاسلام حاجی میرزا محمد حسن شیرازی نورالله مضجعه که بواسطه احیای مذهب شیعه بحرمیت تیباصکو فرمود مرمتی است ممتاز که بدون گفتگو و نزاع و های هوی رفع آنفساد هایل را فرمود. و اظهار قدرت نمایی بر همه عالم نمود (باقی دارد)

مکتوب از طهران

خوشتر آن باشد که وصف دایران
گفته آید در حدیث دیگران

(ترجمه از حقیقت‌الدواریخ که از ابتدای سلاطین
(آل عثمان تألیف گشته)

مورخین یونانی ، عثمانی حکایت و نقل میکنند
که : سوز سلطان محمد فاتح به تخت سلطنت عثمانی جلوس
شده بود . پیرمردی (ایتلیا) نام از علما یونان مدتی
در یام شبیه صعود بر ممبر عموده به مردم وعظ
و صحبت کرده . یکمب . (ای قوم محیب گریک !
ای اهالی رومیة الصغرای ! بدانید و آگاه باشید که روز
های شرف و شان شما نزدیک است به انجام رسد !
و این مدینه عظیمه را قومی از دست شما بگیرد ! و پیران
سلطنت امپراطوری مشرق را منقرض سازد ! و پیران
شما را نشسته حیوانات را برای خود غلام و کعبه
قرار دهد ! و معابد مقدسه شما را مبدل بمساجد
خودشان نموده . آئین شما را حیر بشمرند ! زیرا که راه
حق و عدل و انصاف عدول کرده طریق شقاوت و
ظلم و حیوانیت را پیش گرفته رو بدو کاسعل میدوید !
میدانم بعضی میگویند که بجه دلیل شقاوت و ظلم
و حیوانیت را اسناد جا که ماق هستیم متعلق به اخلاق
حسه میباشد ؟ ای پسران ناخلف شاهیر و معاریف
یونان ! آیا عمارت سلطنتی شما دارالمواخش نیست ؟ در این
اواخر کدام یک از امپراطوران شما بوده هست که ای
از اوقات خویش را منحصر باستحصال وسائل تهذیب
اخلاق ماب در برقیات مادیه و معنویة دولت و حسن
جریان امور ، احیة بقوانین و دیانت نموده و میباشد ؟
آیا کدام شخص است از شاهها که از ملاقات امردان
برهیز کرده افعل کره قبیحة قوم لوطرا بچشم کرامت
دیده و می بیند ؟ آیا کدام زن است که فقط بشوهر
خود : و کدام شوهریست منها بزین خویش اکتفا و
قانع شده خود را هم آغوش دیگران نکرده و میکند ؟
آیا می توانید حاکی را بمن نشان دهید که رفته توسط
صاحبان نفوذ و تقدمة ناحق را قبول نکرده رد نماید ؟
و در امور بمقتضای انصاف احقاق حق کرده مرمسو
فرض و دوستی و دشمنی را در میان نیاورده بموجب
قانون دماوی خالق الله را فصل و ختم کند ؟ آیا

دختری را می توانید بمن ارائه نماید که فقیر رسمی جهیز
عصمت نشده نایل به حله گاه داماد مشروعی شده باشد ؟
کدام فقیر و اهل کسب است که می تواند رابع
مداخل خود را باطلاع عمال و حکام بمساح اولاد و عیال
حویش برساند ؟ آیا کدام دلیر است که زیر جسمه
(قسطاطین) بزرگ قسم یاد نماید که تا جان در بدن
درد این شهر را از دخول دشمن مدافعت نماید ؟
آری میدانم که سر میزهای میلده محض بدام شهوت
انداختن مغایرگان شمساعت حلی فروخته سر برده ها
بربا سینهاید و همیشه ممدنذر را ضرب و سرح و هاره
مثل حیوانات وحشیه عمل میکنید !!

ای گذشتگان با حرمت سرهانیان را از قرارگاهای
ابدی خود برداشته به بنید که در وطن با شان و
ناموس و مقدس شماها چه قوه بی عزت ساکنند ؟
اینکه حیا کرده خجالت کشید ادعای خلاق میباشد ؟
افسوس سلطنت قهصری ! افسوس وطن عزیز ! افسوس
عدالت ! افسوس حریب ! اهالی (قسطنطنیه) که
شقاوتشان بدرجات شقی زیاده از وصف این واعظ
بمعرض بود و خواب غنات دیده حفریق ندیده آنها را
استیلا کرده در لستر بی فیدی مست و مدهوش
باده انانیت و کبر و غرور سحر از قضا و قدر دراز
کشیده خفته بودند سخنهای آن پیر روشن ضمیر را
نشیده و نتوانستند اقدام باصلاح نفس و بهترین اخلاق
نمایند . علاوه بر این بمقام خلافت و حکومت عارض
شده استندما کردند که او را از موعظه منع فرمایند .
ولی حکومت و مقام خلافت از احرائی استندای
عارضین ابا نمود . زیرا خلاف قوانین بندهی بوده اط
به آن واعظ قدغن کردند که بعد از این معايب اهالی
و بزرگان را نگوید . . .

آنگاه سلطان محمد فاتح بزم فتح این شهر از
ادرنه حرکت فرموده بود (قسطنطنین) مجلس ان انما
و نجیبا و علما و امرا منعقد کرده در باب دفع
دشمن مشورت میکرد . آن عالم مذکور هم در آن مجلس

حضور داشت نوبت سخن ~~که~~ بوی رسید از جای
 برخاسته با واز بلند و با صدای مهیب باهل مجلس
 خطاب زد ...

ای بزرگان و هموطنان من !! وقتی از خواب
 غمناک بیدار شدیم که طبعه دشمن ناحیه این شهر را
 با پول خیل اسبها نموده - نوزم فتح مثل شیرگرسنه رو
 به ما زده بسرعت تمام می دود - اکنون جز اینکه
 چند نفر بزرگان چرب زبان بمضوع سلطان فرستاده
 هرچه میفرمایید بپذیریم و غیر از این شهر هرچه از ما
 طلب داده بکه از وسط راه بر گردانیم چاره نداریم
 چه این واضح و مبرهن است از روزیکه سلطان
 شروع بمحصره نماید نهایتاً الهایه زیاده از بجاه شصت
 روز در خارج شهر توقف خواهد کرد و جبراً و
 قهراً این بلده را فتح نموده بر آنچه مقتدر است خود
 داری نموده بعمل خواهد آورد ...

(قسا بطین) این سخنان را که ازین پیر دانشمند
 شنیدیم تغییر شبه کف این پیر منحوس را بپذیرد تسلیم
 زندانیان زندان آن روزیکه شکست عثمانیان داده آنها را
 مجبور بمصالحه نمائیم - با خون این منحوس میشوم عهدنامه
 را امضا خواهم کرد ... آن پیر روشن ضمیر تا آن
 روزیکه سالها محمدخان فاتح مدیق و تحقیق حرایم
 زندانیانرا بفساد سلام حوله کرد در زندان محبوس و
 مقول بود - فساد که از سبب - جوینت آن دانشمند اطلاع
 یافتند بعرض سلطان رسانیده سلطان او را خواست و
 پید از آنکه صدق کلامش ظاهر شد فرمود

آیا می توانی حدس زنی که سلطنت عثمانیه در این
 پیر چند سال بایدار خواهد ماند ؟

آن دانشمند عرض کرد که امروز را بمن مهلت
 دهید آنرا هم بعرض سلطان خواهم رسانید - سلطان
 بدیرتبه و بآن خلعت و اسام و حکم داد که احدی
 متعرض وضع و رفتار او نباشد - این شخص اول
 رفتار بازاریان اسلام را تدقیق کرده دید که نه از نرخ
 زیاده میفروزشند - و نه کم فروشی میکنند - و در داد و

ستد فرق میان مال و مذاهب نهاده بمساوات حرکت
 مینمایند - و محتسبین عادل نیز همیشه حرکات آنها را تحت
 نظر تفتیش و تدقیق گرفته فرصت به آنها نمیدهند که
 ادبی تقصیری ابراز شود - بعد قیام به تفتیش رفتار
 فاشون کرده مشاهده نمود ~~که~~ آنها مشغول بمشغ
 و قانع بمواجب و جیره دیوانی و مبالغ صاحب منصبان
 جزء و کل هستند و مسامحه در اجرای واجبات دنیا
 و محبت یندیگر و گریزان از مناهی و دعا گوی دولت
 و ملت اند - سپس به تحقیق و تدقیق احوال حکام
 شتافت اول صبح بود که در محکمه تصاوت حاضر شد
 چون در قیافه و ذی علماء در آمده بود اذن جلوس یافت
 در آن بین ده نفر وارد محکمه شده مدعی گفت ایها
 العاصی دیروز از این شخص استری بدو داده طلا ایتباع
 نمودم اهل حیره در مصایفه آن حیوان معلول بودن
 آنرا داشته مغبوفی مرا اطلاع دادند - مطلب را بدین
 مرد اظهار کرده استر را پس داده وجه خود را مطالبه
 نمودم نپذیرف طرفین بخدمت شما آمدم - با بموجب
 شرع او را احقاق حق فرموده دعوی ما را فصل و م
 فرمائید - حنا بهالی تشریف نداشته برگشتیم شب استر
 مرد حال تکلیف شرعی بنده فقیر چیست ؟ قاضی گفت
 تکلیف شما مبلغ بیع را از غلام قاضی گرفتن و سلامت
 رفتن است - زیرا که قاضی قبل از وقت معلوم اگر
 بحسنة خود نرفته و حکم شریعت ضر را آنوقت
 اجرا کرده گرفتار این غرامت نمی شدید .

خلاصه بعد از تفتیش رفتار و کردار طبقات مردم
 پیش سلطان رفته عرض کرد این وضعی که من دیدم
 وضعی است عادلانه هر دولت ~~که~~ عدالت را برای
 اجرای امور مملکت رهنما قرار داد مدبیه است که روز
 بروز ملکش معمور و ثروت و سعادت و رفاه اهالی
 موفور و قوت و قدرت دولت افزون و دشمنانش
 منهزم و مقهور خواهد شد - اما دو آفت بزرگ در
 مملکتها ~~که~~ آنها بنظر میرسد - اگر موفق باعهای وجود
 آن دو آفت شوید تا قیامت دولت شما باقی و بنای

سلطنت آل عثمان غیر متزلزل خواهد ماند. و این دو آفت یکی (نفاق و رقابت امنای دولت. و دیگر حسادت و انانیت علمای امت) است و چاره مفید تر از برای رفع این آفت جز رجوع امور اداره دولت بامنای اهل و کافی بودن و علمای امت را نیز در سبب علم و عدل و کمال از جانب خزینه دولت توظیف و همشاه محتاج دولت نگاهداشتن و مجازات و مکافات را بعد از ثبوت صحیح بدون هیچ ملاحظه بجا آوردن نیست. مؤلف «مهیقة التواریخ» میگوید سلطان حقایق دان که این کلمات حکمت آیات را ازین فاضل شنید متأثر شده آن دانشور را باسلام دعوت فرموده و نیز مسلمان شده بمصوب. مستشاری خاصه سلطانی بایل گردید در پس آینه طوطی صفت داشته اند آنچه استاد ازل گمت بگو میگویم

مکتوب از شیراز

درین هفته حکمی از وزیر پست رسید که خلاصه آر این است - چنانکه خبر یافته ایم بعضی اشخاص چند پاکت را با سامی محتومه جوف يك پاکت گذارده می فرستند احزاب پست هر وقت از این قبیل پاکت دیدند از صاحب پاکت بزرگ بشماره و وزن پاکتی که جوف آن پاکت و بنام دیگران است دو مقابل اجرت پست گرفته و پاکت را بآنها بدهند فوراً این حکم در موقع اجرا آمد. مناسب بود قبل از صدور این حکم بمردم خبر میدادند و سپس این حکم را مجری میداشتند چه این امر خلاف است که پاکت های مردم که اسرار آنهاست در پستخانه ها باز شود و يك يك پاکت های جوف را به بپند. علاوه در قانون پست این مطلب نوشته نشده در اینجا خورده گیران شاید خورده گیرند و گویند شما از قانون پست چه اطلاع دارید - پست ایران قانون ندارد - ولی اول قانون را باید جلو انداخته خبر دهند پس از آن آنچه میدادند معمول دارند -

اگر بنیال اضافه دخله پست باشند چندان تفاوت

مخواهد کرد - چرا که دو پاکت یا ده پاکت که جوف يك پاکت باشد وزن خود را دارد و دو متقال آن پنج شاهی است - پس از آن که فرد فرد کنند بلکه ده پاکت را دوازده پاکت بتوانند هم اجرت پست دریافت نمود نمی ارزد باین گونه امور - در خارجه هم پست است و هم قانون پست و هم مأمور قانون - دان اگر مفید بود این قانون را جاری میکردند

در خارجه وزن معین است هرگاه بنام صد نفر در يك پاکت سه پاکت ارسال شود حرفی نیست - خوب بود بعضی این عمل که خیلی در انظار خارجه و داخله رکاکت دارد افلا و وزن را از پستخانه مرتفع داشته بی پاکت شماری اجرت میکشند - درین صورت هرگاه پاکتهای مردم را باز میکشند جای شکایت نبود - ولی در صورتیکه وزن معین شد صاحب خط اختیار دارد صد پاکت را در يك پاکت بفرستد اگر پستخانه قصان در آن وزن معین ملاحظه میکند وزن را کم کند که کسی مقتدر بر آن نشود که دو پاکت را در يك پاکت گذارد و حال آنکه چون ملاحظه شود وزن پست داخله ایران نسبت بمالک سائر زاید نیست - در هر صورت این حکم چندان مفید بحال پست خانه معلوم نمی شود و مردم بی سبب رنجیده می شوند - برخی سبب اجرای این امر را معاملات بانکی تصور کرده اگر اینهم باشد غلط محض است چه هرکس بنا شود خطی بمرکزی بفرستد میداند چه گونه ارسال دارد بعد این باب محال و ممنوع است از همه میگذریم اگر این امر را قانون قرار داده باشند قانون بسیار ناقصی است چرا که اعضای پست خانه میتوانند بجای صد پاکت که پول گرفته بجاه پاکت بحساب آرند نکته دیگر هم درین امر هست که اعضای پست خانه بر اسرار جمیع ملت حاکم می شوند چه خطوط مردم در حکم ناموس آنهاست رؤسای پستخانه با هر کس عداوت دارند میتوانند باسم آنکه شبهه به خطوط او دارد خطایی را نلذ نمایند - نفوس مأمورین ایران خواه اجنبی باشند یا خودی باید همیشه باین گونه کارها ملت دولت را مضطرب دارند (برای سنجیدن خبرها)

گیلان

اعضای حضرت والا شاهنشاهزاده عضدالسلطان با نهایت عدالت و حزم رفتار و سلوک مینمایند با آنکه تمام اعضا نوبتاً تعدی بکسی نشده انشاءالله من بعد هم نمیشود بعضی اعمال در رشت خیلی زیاد شده و چنان توسعه پیدا کرده است که نمیتوانم گهت در خارجه عسری از اعشار رشت پیدا شود از نکبت اجانب امروزه عرق در گیلان از آب بیشتر بمصرف میرسد و هر قدر گرک زیاد شد حرص آنان زیاد تر گردیده است - بازار بایبها کاسد ولی جسته جسته خمیه و آشکار باز ظاهر میشوند هنوز غلام عایخان مدیرالمالك مردود اهالی است و حال اینکه در رکاب شاهنشاهزاده عضدالسلطان به گیلان آمده است - حضرات همسایه در میدان تجارت چهار اسبه تک بو می نمایند - تجارت پیله سنه ماضیه امسال سبدیل به تجارت اتمه شده یعنی سال اول فقط صدی دوازده تزیل بود امسال هرکس برنج و پایله بتوسط آنها حمل خارجه نماید پول میدهند شکایت زیاد است قدرت نوشتن کو الشاءالله بعدها مرض خواهد شد

از وضع مدارس رشت نرسید آنکه مدرسه وطن است دارای پانزده نفر شاگرد و معلم هم ندارد - مسلماً از عدم بضاعت است - آنکه مدرسه شرافت است مبدل بکثافت شده - ولی پول را از مردم تا یکدرجه میگیرند و بنای جدید آن در نظر دوست و بیگانه موجب سرزش گردیده - نظام خان با فرامین چند در رکاب شاهنشاهزاده برشت آمد ولی کاری از پیش نتوانست برد ناچار در خانه آصفالمالك پیشکار شاهنشاهزاده مانده است

مکتوب از کربلا

جناب امین السلطان محض رو بوشی از قبایح اعمال خود قبل از عزل بولی فرستاد که نهر حسیفیه کربلا تعمیر شود که آب آن گاهی نیز کثرت طغیان و گاهی نیز اقطاع

نقصان بر اهل کربلای معلا وارد نیآورد آقا سید علی قطب مدتی این وجه را توقیف کرد و آخر بمصرف حق الشرب مسامین و مؤمنین کربلا نوساند آیا موافق اصاف در حق این گونه صفهان با صفا چه باید گفت سابق آقا رضای امین السلطنته مدد از آنکه صندوق مجتبت ائمه بقیع ساخت و حسی فرساده که در صندوق خرج نماید مبالغ هنگفتی از آن وجه هم حیف و میل و در کربلا دکان و خانه شد

مماغل حالیه هم معلوم است از زمان صدارت امین السلطان کارپردازی بغداد و بیات کربلا و نجف و خاقین و سایر منازل عراق عرب مستقلاً بشخص او راجع است و هرکاری او مایل نباشد ممکن نیست ما و درین ابرار اقدام کنند بازار رشوه در خانه قطب بهتر از دیوانخانه باخ رواج دارد

هرکه را بیرش چنین گره بود

کی مریدشرا بجنبت ره بود

مکتوب یکی از فضلا

از شماره ۱۷

اما شکر گذاری ولات و حکام آستکه مملکت مستودعه بالشان را آباد رعیت را دلشاد اهل صناعت و حرفت را تشویق نموده اسباب ترقی و آسودگی ایشانرا فراهم کرده تا با اختراعات جدیده پرداخته در صنایع و تدایع ملک افزوده ملت را از احتیاج بامتنه قدره خارجه مستغنی و بی نیاز سازند - و تجارت را بتاسیس و تشکیل شرآکتهای عمومی و فراهم و آماده نمودن اسباب آسایش ملت و تهیه ما بحتساج تشویق و تحریص و تأیید نموده - زارعین را مساعده و امداد کرده که اراضی بایره اقتاده را تعمیر و در خراج بآنها تخفیف داد. تا ملک آباد ملت دلشاد خزانه معمور فقر و پریشانی دور گردد اینکاش سایر شاهزادگان عظام و ولات و حکام ما اقتدا میکردند بشاهنشاهزاده عظم ظل السلطان و اندکی غور و تأمل در طرز حکمرانی

آنشاهزاده والا مقام در اصفهان میکردند. که چگونه دستگاه عدل و داد را انتشار داده - رعیت را از مالی و دانی - بزرگ و کوچک - امیر - و قبیله - عالم و جاهل از خویش راضی و دماغوی وجود خود نموده با اینکه یکدیگر از کیسه خویش صرف نکرده و حال آنکه نمودن و غذا و ثروت و دواتش از سایر شاهزاده گان پیش نیست همه ساله اول سال خراج مقرر و ولایت را بدون مطالبه بجزایه دولت میرساند - این است نمره عدل و دولت خواهی و رعیت پروری که اهالی عراق خاصه اصفهان از پدر رؤف مهربان دوسترش دارند. و اطاعت حکمشرا را اوجب واجبات میشمارند و چون ملاحظه نمایم بعین الیقین خواهیم دید که در زمان ولایت و حکمرانی اصفهان و توابع آن از حیث آبادی و ریادی صنعت و حرفت و تجارت و زراعت به مراتب شوق ترقی کرده هیچ نسبتی بسابق ندارد خداوند متعال بسایر حکام و ولات ما چشم عبرت بین و بصیرت عطا فرماید که از طرز حکومت و سلوک این شاهزاده با سیاست و تدبیر سرمشق بگیرند الحق این شخص بزرگ و شاهزاده سزاوار سپهسالاری ایران را داشته و دارد تا در ظل تربیت و تدبیر و سیاستش قشون ایران منظم و حالت لشکری از خرابی و تباهی روی به بهبودی و انتظام آورد

حیف است فتح این وجود مسعود محصور باصفهان باشد و سایر ایران بی بهره شوند - افسوس که نخست خدمتی که میرزا علی اصغر خان امین السلطان به همسایه شاهی و خیانت بدولت متبوعه خود نموده بدگان کردن شاه شهید بود بر این شاهزاده اعظم تا کرد آنچه کرد اما شکر گذاری امرا و افسران فوج و لشکر از مرتب و سرهنگ و غیره و سرباز آنستکه در دولتخواهی و اطاعت و اوامر پادشاهی و حفظ حدود و ثغور و فرو نشاندن شروقتنه و شور و خدمت بدولت و ملت و گنجان اسرار دولتی و قطع علایق و دوستی بدینگان و اجابت و حفاظت ناموس. دین ملت

و سربازی در راه شریع و دولت و جان سپاری در اعلائی کلمه اسلام دقیقه فرونگذارند و اطاعت اوامر سالاران خود را در هر طبقه و درجه هستند فرض عین شمارند چنانچه اگر حکم بفرق در آب یا جرق در در آتش دهند مخالف نوزند

اما شکر گذاری اعیان و ارکان و تجار آنستکه کمال اقیاد و اتحاد را نسبت بیادشاه و ولات داشته در جمیع مواد خیرخواهی را شمار و آراء سلیمه خود را در ترقی ملک و ملت اظهار و بسروجان در تأیید دین و دولت کوشان و تشکیل شرکتهای عمومی اسباب آسودگی ملت و دولت را فراهم آورده و به ترویج ائمه داخله ملک - ملت را از استعمال متاع خارجه باز داشته دکان فریب و دغا را بسته در دهکده صدق و صفا نشسته با کمال همدردی از شخصیت گذشته نهند برستی و قوم پروری را شعار خود نموده بترقی صنم آن و حرفت کوشیده تا خودشان با کمال آسایش و کسی نیک زنده جاوید مانده قوم را از احتیاج بیرون نیارند اما شکر گذاری رعیت آنستکه همه تن مصروف کار و پیشه خود و فکر خوبی و خوش سلوکی آن برآمده بساط قلب و کلاه برداری را بر چیده فرش صدق و دینداری و درستکاری گسترده برادران و متحدان با یکدیگر بدون تفاق و شقاق آمیزش کرده متابعت احکام و اوامر پادشاه و نواهی او را که مطابق با قانون شریعت خیر است از دل و جان فرض دانسته مال خود را مال دولت و خزانه دولت را مخزن خود انگاشته بهرجه دولت را حاجت اقتد درخ نمایند - و پس از اطاعت حضرت آفریدگار فرمانبرداری پادشاه تاجدار را واجب دانند - این بود مختصری از آنچه بنظر رسیده در باب شکر گذاری و سپاسداری بعرض رسانید تا حاجت گردد - و امیدوار چنانستکه بدین گفته عمل شود شاید از این بلیات متناهیه رهائی حاصل نگردد واضح است که هرگاه بندگان بفکر گذاری و سپاسداری حضرت منم حقیقی جنت نمائند و آلاء قیام نموده از

سکفران و ناسیاسی باز آیند بی شبه بدرجات عالیة
 طزیت و ترقیات دنیوی و اخروی نایل و بحسب وعده
 حضرت خلاق صدق و وفا و قایل (و ما اوفی
 بعهده من الله) باعلی مراتب و مدارج دینی و دنیوی
 هرجوخ خواهند نمود برعکس آن هرگاه کفران و وزند
 بضمون (ان عذاب لشدید) باید منتظر عذاب شدید
 قهار منتقم بود (نمود باک من سخمه و عذابه و نکاله
 و عقابه والسلام علی من اتبع الهدی و خالی عواقب الردی)
 راقم (م - - - ص - ح)

مکتوب یکی از غیرتمندان

(از شماره ۱۷)

میثوان از وضع مأمورشدنشان استنباط کرد که چه
 آنها متاخر و زند و خانه دولت و رعیت را میسوزند
 از و خلع سلوک با لبوز بغداد و نایب کربلا و
 و کارگذار بصره و کاربرد از جده که محل عبور
 دواز - - - زوار و خجناج و تجارت خبر دارید
 کافیست و حاجت به شرح ندارد. اگر چه دیگران با و از
 طبل و کرنا در اقطاع سکرة ارض بذریعة اخبارات
 منتشر و منتشر کرده اند. لکن صراحت میاید بشویم
 آنچه میدانم با این رفتارشان با تبعه خود هرگاه اندکی
 رفتار و کردارشان با دول خارجه بیان شود دود از
 دماغ حواسندگان خواهد برآمد. زیرا که بغیر از اطاعت
 و فرمانبرداری از ایشان کاری ندارند. و کلامی که خلاف
 رأی آنان باشد بر زبان نمی آوند. و اگر سخنی
 مخالف بر زبانشان سهواً جاری شود بجز عذر و تذلل
 و کوچکی طرف مقابل را از خود راضی میکنند. خدا
 رحمت سکند مرحوم قایم مقام اعلی الله مقامه را چه
 خوش سروده

عاجز و مسکین هر که ظالم و بد خواه

ظالم و بد خواه هر که عاجز و مسکین

وو بخیار و سکد و کنند چو رستم

پشت بخیل عدو میکنند چو گرگین

اما اسباب تنگنوی و نهمکشانرا خدا بکسی نشان ندهد

بیک فقره اکتفا میشود باقیها خود قیاس فرمائید -
 یاد دارم چند سال قبل روز عید سید. ولود مسعود
 اعلی حضرت سلطان معظم عثمانی خلدالله تعالی ما سکة
 و سلطاناه و دوله در سرایه دواتی جناب جلالنآب
 والی پاشا و نجات اصاب مشیر پاشا جشن رسمی دواتی
 گرفته تمام رؤسا و اعضای ما سکة و عسکره و بهبه
 با لباسهای رسمی و نشانهای دولتی حاضر و نمایندگان
 و کار پردازان جمیع دول مقیمین بغداد بالبدنه
 رسمی و نشانهایکه دارا بودند و حمایل در کمال شوکت
 و جلال در کالسکهای بسیار ممتاز اهل که لایق خود
 و دولتشان است نشست با بساؤل و قراول و چنداؤل
 پیاده و سواره از پیش و پس به آن جشن مبارک بجهت
 تبریک حاضر شده کترین ما چند نفر دیگر از هموطنان
 در راه ایستاده که چشم مان بجلالت و شوکت کار
 پرداز دولت متبوعه خود روشن شود و مایه افتخار
 و سرفرازیان گردد. ای کاش کاشود بنود چشم من و
 گوش من. ناگاه چند نفر فرایش بالباسهای هفت رنگ
 و کلاههایکه رنگش از سیاهی مایل بر سرخی شده با کمال وقار
 و در جلو سرکار کاربردان با لباس معمولی روزانه سوار
 بر اسبیکه زین و لگامش ساده بدون زینت نه حمایل نه
 نشانی نه لباس رسمی نه اسباب شوکتی نه سامان شکوهی
 شریف آورد. چند نفر پیشخدمت و نوکر از عقب با
 این وضع و هیئت وارد سرایه گردیده از کیفیت ورود
 و نشستن و سؤال و جواب آن مجلس میمون مبارک
 چون حاضر نبودم خبری ندارم اگر چه از وضع - واری
 و ورود میتوان قیاس نمود. خدا میداند که در آنجین
 مرگ را خواستار شدم زیرا که اهالی بغداد از هر فرقه
 برای پاشا ایستاده بودند. پس از دیدن آن وضع زبان
 بسرزنش و طعن و تمسخر کشود. ما بیچارگان نیه و
 رعایا جز خجالت و شرمساری جوابی و علاجی نداشتیم
 ولی باید دانست که اینگونه سلوک و رفتار آمورین و
 قوللهای ما مخصوص است ممالک دوات علیها عثمانیه چونکه
 تا یکدرجه اختیار تبعه خود را دارند و هر چه بر سر

ایشان بیاورند از حبس و جوبکاری و جرمانه و الحراج
 بلد کسی از ایشان باز پرس نمیکند - لکن در سایر
 دولت خارجه چون سبب اختیارات از ایشان شده و
 باید بموجب عهدنامه دولتی بقانون آملک رفتار کنند با
 کمال مهوریت و حوش رفتاری با تبعه خود سلوک نموده
 همواره ایشان را راضی و شاکر و خوشنود و خورسند
 میدارند - لهذا در سایر ممالک شکایت از نمایندگان دولت
 شنیده میشود مگر بعضی اوقات که از حقوق دولت چشم
 پوشی کنند - کاش دولت ابد مدت چنانچه در بعضی از
 ممالک اروپا یکی از تبعه خود که بسمت عزت و تدین
 و دواتخواهی موسوم است یا یکی از اهله اهالی آن
 مملکت را بقولسلی و خلعت و لقب ممتاز و متعز فرمود
 معین میکند تا بکارها و سؤال و جواب دولتی قیام
 نماید - و آن شخص هرگز هم محض شکرانه آن افتخار
 که از دولت باو عنایت شده بدون جیره و مواجب از
 سر و جان بخدمتگذاری و حفظ شئون و ناموس دولت
 رسیده و تمامی کارها و امور را با نهایت خوبی و سلیک
 نامی انجام داده مایه رو سفیدی دولت و ملت میشود در
 بعض ممالک عثمانیه هم بانطورها اقدام میفرمودند تا هم
 خزانه مبارکه از تحمیل مصارف بجای یعنی مواجب اینگونه
 اشخاص آزاد میشد و هم رعایا و تبعه دولت در خارجه
 با کمال رفاهیت و آسایش از ظلم و تعدی نجات یافته
 بکار خود و دعای دوام و بقای دولت ابد مدت
 مشغول از جورستمگران بیایمان فارغ میگرددند - خداوند
 متعال گوش شنوا و چشم بینای برجال ما عطا فرماید که
 بجهت چند دینار منفعت شخصی اینقدر در پی ذلت و خرابی
 شئونات خود و دولت بر نیایند و یرحم الله عبداً قال آمینا

معادن طلائی انگلیسها در افریقای جنوبی

افریقای جنوبی طلا دهنده تمام جهان

بکار بردن تنخواه در این عمل بلاشبه اسباب انتفاع کلی میگردد - خصوصاً بصاحبان تنخواه و متمولین ایران
 تکلیف میشود اکتیاف اسهام معادن طلائی فوق الذکر که عنقریب قیمت آنها ترقی خواهد کرد
 قیمت اسهام مزبور از طرف کمپانی موسوم به (گلاڈیز پروپرایتاری گلد ماینس کمپانی لمیتد)

Gladys Proprietary Gold Mines Company Limited

که در افریقای جنوبی دارای امتیاز عمل طلائی آنها است سهمی هفت قران و دوپست دینار معین
 شده است

نرخ اسهام مزبوره رقی خواهد کرد در زمان کار کردن در این معادن الی دو تومان و نه قران و زیاد
 تنخواه این بلیت ها را ممکن است بکمپانی رسانیدن بتوسط اداره بانک شاهنشاهی ایران با دوس ذیل
 (دی سکریٹری تاز اکسچینج لمیتد) ۱۶ تکن حوس یارد بنگ لندن)

The Securities Exchange Limited

16A, TOKENHOUSE YARD, BANK

LONDON.

اعلان

وزارت كرك و پست ايران - طهران ۲۸ شهر شعبان ۱۳۲۱

شماره اداره محترمه پست با كمال توقير و احترام بموجب اهالی دارالخلافه طهران اخير و عيان مبادارد - چون مبادله امانات پستی از داخله ايران بممالك خارجه و ارخارجه بداخله الی حال معمول و جاری بوده - دولت علیه ايران محض تسهیل امر تجارت و رعایت حال تجار معاهده پستی (واشنگتون) را در پانزدهم ژوئیه (۱۸۹۷) بین المللی بر قرار شده بود - قبول و از تاریخ ذیل مبادله امانات خواهد گردید - توضیح آنکه هرگاه از ولایتی که مبادله پستی در آنجا نمیشود کسی نخواهد امانتی بخارج ارسال نماید و یا از خارجه مانی به وان ولایتی که در آنجا مبادله پستی نمیشود وارد شود اداره جلیله پست محض رفاقت حال تجار آن دولت را قبول و به مقصد میرساند مشروط بر اینکه هرگاه از داخله بخارجه باشد اجرت حمل تا سرحد را برستنده امانات کار سازی دارد بعلاوه حق حمل بخارجه - و هرگاه از خارجه بداخله است گیرنده امانات - حق حمل از سرحد تا مقصد را ادا مینماید - مثلاً هرگاه بخواند يك بسته یا اطتی از بروكسل بطهران ارسال دارند

شخص فرستنده امانت باید عنوان آن بسته را بطریق ذیل بنویسند

پست مرکزی بحر خزر در انزلی ایران که از آنجا بطهران باقی . . . تسلیم شود

فرستنده این امانت باید حقوق پستی را از این قرار کار سازی دارد

بخارج حمل بسته بموجب معاهده بروكسل الی انزلی - بخارج حمل بسته از انزلی الی طهران

مطابق تعرفه داخله

چنانچه بخواهند از طهران به بروكسل امانتی بفرستند شخص فرستنده امانت باید عنوان آنرا از

قرار ذیل مسطور دارد

پست مرکزی بحر خزر در انزلی - ایران که از آنجا در بروكسل باقی . . . تسلیم شود

شخص صاحب آن امانت باید حقوق داخله را تا انزلی مطابق تعرفه داخله پرداخته حقوق از انزلی الی

بروكسل را بهم بموجب تعرفه (واشنگتون) کار سازی دارد - هرگاه برای مرکزی که در این واقع اسم برده

نشده باشد امانتی وارد شود یا امانتی ارسال شود از همین قرار اجرت حمل معین دریافت خواهد گردید - امانات

قیمتی که باید بیمه شده و حق الضمانه آنرا به پست تحویل نمایند - بیش از معاد - یا صد فرانك نباید بوده باشد

چه در قبول و چه در استرداد بیش از این مبلغ نباید بوده باشد - بسته پستی بیش از پنج کیلوگرام که عبارت از

(۱۰۶۶) مثقال باشد و طول آن بیش از شصت سان نیمتر نتواند بود - مگر بسته هایی که تصرف در آن

نتواند کرد مانند عصا - چتر - نقشه - و امثال آنها در این صورت طول متجاوز از يك متر و عرض

متجاوز از بیست سان نیمتر نباید بوده باشد - تعرفه جدید که نماینده مقدار حقوق هر يك از ممالك متفرقه بوده

بناشد همما قریب چاپ و بنوسط وزارت كرك و پست بین هموم مردم انتشار داده خواهد شد - اسامی نقاطی

که دایره پستی بزرگتر و مبادله پست خواهد بود بقرار تفصیل ذیل است

نمبر ترتیب	اسماء وولایاتی که در آنها بست مبادله میشود	اسماء ممالک وولایات ارسال کننده امانات	و سایل و طریق حمل بست
۱	حدود ترکستان باغ گیران (سواحل بحر خزر)	بدون تعیین محل ...	کشتی‌هاییکه از بادکوبه و گرامنا و دسک سیر میکنند کشتی‌هایی که در بحر خزر سیر میکنند
۲	شهر جز
۳	مشهد سر
۴	انزلی
۵	آستارا
۶	(سرحد قفقازیه) جلفای ارس	بدون تعیین محل ...	از راه تفلیس
۷	خوی
۸	قصر شیرین
۹	(حدود عربستان و خلیج فارس) عمره	بدون تعیین محل ...	کشتی‌هاییکه در خلیج فارس سیر میکنند
۱۰	بوشهر
۱۱	انگه
۱۲	بندر عباس
۱۳	چاشک
۱۴	شهر
۱۵	گوتر
۱۶	(حدود هند ایران) کوه ملک سیاه زیارت	بدون تعیین محل ...	محل امضا و مهر وزارت پست

سندوقچه و سبد که از برای زینت و تجمیل است
لاک

سریشم ماهی و سریشم ماهی
محصو لاییکه مخصوص پاک کردن چرم و چوب
یاقوت‌ها هستند در قوطی
شیشه از قبیل روغن میوم و روغن بوآکس
و غیره از قرار قیمت پنج در صد

تصرفه کرک

(از نفر ۴ سال یازدهم)

(اسباب خرازی و خورده فروشی)

سندوق و جبه‌های جوبی از هر قبیل الوان یا
غیر آن یراقی دار یا بدون یراق با قفل و بست
فلزی یا بدون آن سبد زنیل دوشکچه کاهی
یا علفی و یا ماهونی و غیره با بستن جبه

سایر اقسام اسباب خرازی فروشی
 از قرار قبله پانزده درسد
 این قسمت عبارت است مخصوصاً از قز قفل
 نر و ماده از هر قیل با ضافه قز قفل نجمل
 برای بالبو و کربند و غیره و سوره های خیاطی
 و سوزن جوراب بنی - اسبابهای عکاسی با ضافه
 متعلقات آن از قبیل صفحه کاغذ حساس شاسی
 (جای عکس) و غیره - ظروف مز از نقره
 اصل یا بدلی یا روزی یا ظروف نقره سفید
 (مامینکر) بانضمام قاشق جنگال و کارد غذا
 خوری با دسته روزی و کلیه اشیای مخصوص
 روی میز و غذا خوردن است بالوازم باز
 شدن و بسته شدن و سوار و پیاده کردن آنها
 نقره روزی یا فلز دیگر شبیه بان - ما بمحتاج
 دخایات از قبیل امزیک بزرگ و کوچک چقی
 و انچه دان قوطی سیگار و سگارت جای خاکستر
 قوطی کبریت و سایر اشیاء دیگر آن - لوازم التحریر
 از قبیل دوات و سر قلم و قلم و قلم بالکن مداد
 جای مداد مداد میان آن مدادهای فلزی
 مداد تراش ستاره و بر کار و غیره - لوازم زینت
 و آرایش از قبیل قبطان بند ساعت قبطان عینک
 از هر قبیل گردن بند صلیبی باشنه کش مسواک
 عاهوت بالکن شانه همه قسم خلال ناخن خلال
 دندان و غیره
 ابر و اشیاء متعلق بسراجی از قبیل جزو کش
 و جای کارت قاب کلیه کیف پول و کیسه پول
 و غیره - لوازم سفر خورجین چمدان ترك بند
 باستثناء صندوق سبد و زنبیل ~~حک~~ در قسمت
 اول به همین فصل ذکر شده است
 اقسام عینک و دور بین عینک دور بین یکچشمی
 دور بین نماشا و سایر اشیاء از این قبیل
 حقی بند
 جواهر آلات بدل از هر قبیل بانضمام شقی

و کهر با وسنگ مروارید بدلی جبه و صندوق
 نخل جبه رنگ بانضمام متعلقات آن رنگهای
 صفحه ولوله اقسام عصا و تعلیمی
 انواع تکه
 آبن و گنجینه و غیره
 تسبیح از هر قبیل
 میخهای حککشی دوزی از هر قبیل
 اسباب نماشای متحرک و سایر اسبابهای شبیه
 بان بانضمام متعلقات آن
 اقسام قاب فلزی و چوبی از هر قبیل
 بادبزن و پیش بخاری انواع و اقسام آتشبازی
 قچی تاج و فلس صدف و اسبابیکه از اینها
 ساخته شده باشد باستثنای اسبابیکه مخصوصاً
 در فصل نوزدهم ذکر شده اند
 انگشته - اقسام سنجاق
 اقسام اسباب آتشبازی -
 تازیانه از هر قبیل لنتون مازیک لنتون دو پرو
 دو کسیون
 چوب پنبه صفحه مکبی یا بشکل سربطری
 سنگ جخمق
 سنگ محک
 صندوق حبس صوت و فنکراف و سایر
 اسبابهای شبیه آن بانضمام متعلقات آنها
 زنگ بزرگ و کوچک از همه قسم
 چراغ خواب و کلیه اسباب خرازی و خورده
 فروشی غیر از اشیاییکه فلز قیمتی نبوده و در
 جزو تصنیفات این ترفه ذکر نشده اند
 اثاثالیت و لوازم خانه
 اقسام مبل
 (الف) مبل چوبی و آهنی از هر قبیل که روی
 آنها از پارچه و یا از جرم پوشیده باشد
 ده من پانزده قران
 (ب) سایر اقسام آن ده من پانزده قران